



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

ISSN: 1506-9080 • www.roshdimg.ir

# روشده

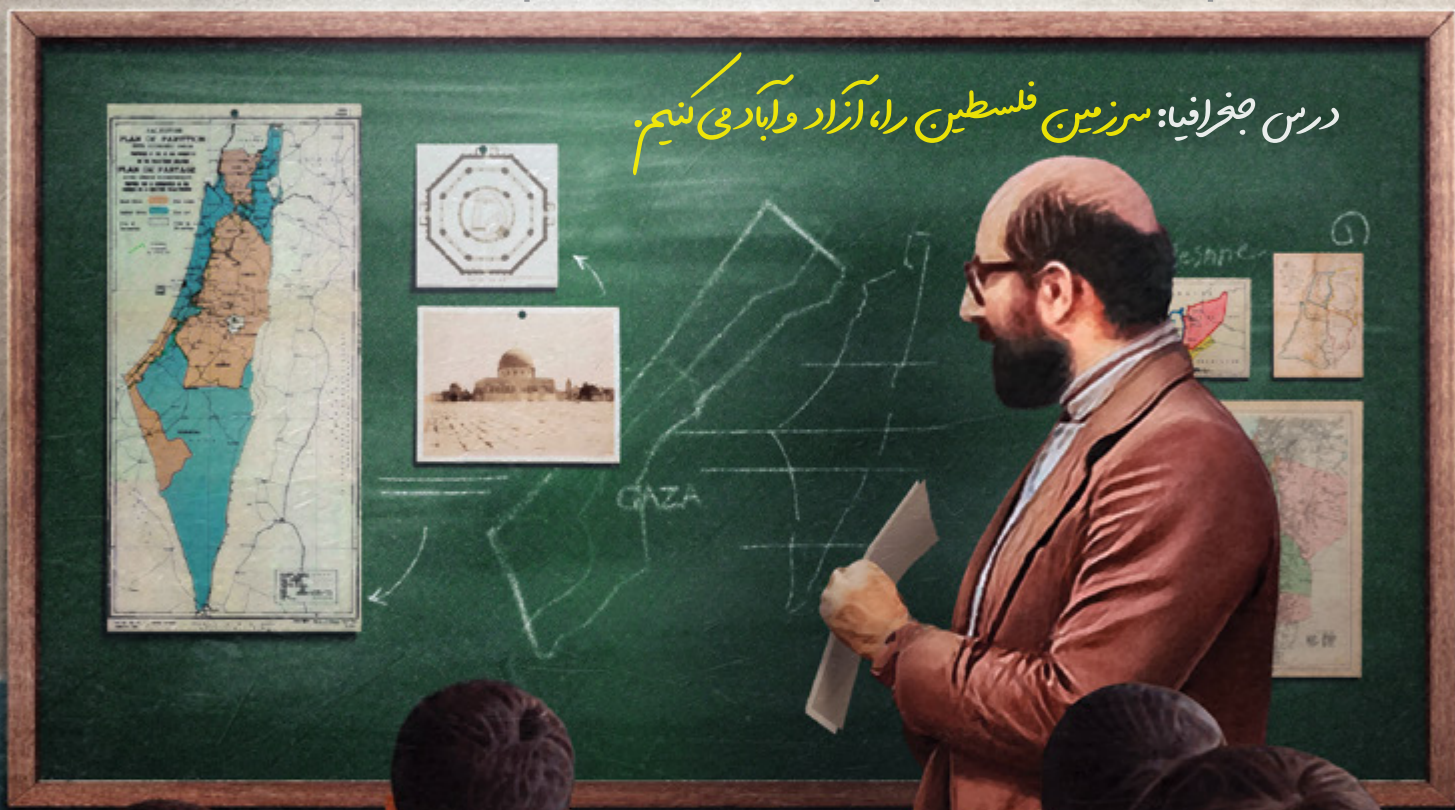
ماهنامه آموزشی و تربیتی  
برای هنر جوان هنرستان  
دوره چهارم / اردیبهشت ۱۴۰۳  
شماره بی‌دری ۳۲  
صفحه ۲۸



۴۲ گلستانی در آتش

۸ ختم همه هنرها

۲ معلم زندگی



معلمی که دنیا را  
استادگی آموخت



## روز دختر و ولادت حضرت معصومه (س) مبارکباد

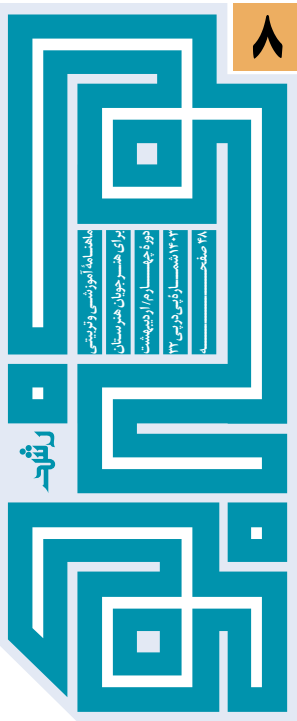
« ۴۵۰ نوجوانی که شهید چمران در هنرستان جبل عامل لبنان با آنها کار کرد، اکنون مسئولان و رهبران مقاومت لبنان هستند. چمران بچه‌ها را نوبتی تا مرز اسرائیل می‌برد. دوربینی داشت که همیشه با او بود. در عکس‌ها هم معمولاً با این دوربین دیده می‌شود. او تکنک سرپازان اسرائیلی را با این دوربین به بچه‌ها نشان می‌داد و از همان موقع انگیزه مبارزه با اسرائیل را در دل آن‌ها می‌کاشت. »

گفت‌وگویی یکی از اعضای حزب الله لبنان با خبرنگاری تسنیم. از خاطرات شهید چمران

در هنرستان جبل عامل لبنان ۱۳۹۳/۰۴/۰۱

<https://t.n.ai/409128>

تصویر جلد این شماره از مجله رشد هنر جو اقتباسی از این روش تربیتی هنرآموز شهید چمران است.



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

مدیر مسئول / محمد صالح مدنی  
سرمدیر / مهدی عبدالملکی  
مدیر داخلی / الهه قربانی  
طراح گرافیک / جواد صفری  
ویراستار / کبری محمودی  
شورای برنامه‌ریزی / اسفندیار چهاربند، عباس بیات، محسن بهرامی، حسن آقابابایی، احمرضا دوراندیش، محبتی افچنگی، سجاد دهقان  
مدیر هنری / کوروش پارسنازاد  
دبیر عکس / اعظم لاریجانی  
طرح روی جلد / محمد شکبیا  
چند رسانه‌ای: علیرضا جعفری

### یادداشت سردبیر



نشانی رشد هنرجو  
در برنامه شاد



نظرسنجی رشد  
هنرجو



نمون برگ اشتراک

## نقاش درون

برای شما هم مهم است که چطور به نظر می‌آید، درست می‌گوییم؟ مثلاً اینکه اگر فلان لباس را بپوشم، دیگران چه می‌گویند یا اینکه اگر موهاییم را شکل خاصی اصلاح کنیم، نظر دیگران در مورد من چگونه خواهد بود یا حتی طرز راه رفتنم از دید دیگران چطور به نظر می‌آید. نه اینکه بخواهم خیلی کلیشه‌ای صحبت کنم و بگویم که این‌ها اصلاً و ابداً مهم نیستند، بالاخره مهم است که آدم به حد معقولی مرتب باشد و شأن و شخصیت خودش را حتی در ظاهرش هم حفظ کند، اما یک خبر بد دارم؛ تا زمانی می‌توانید تمام توجهتان را به ظاهرتان جلب کنید و تمام هوش و حواستان آنجا باشد که نخواهید از زبانتان استفاده کنید؛ یعنی هر کس به محض اینکه زبان به سخن باز کند، عیب و هنر واقعی‌اش همان موقع مشخص می‌شود. آن موقع است که زیبایی‌های درونی‌تان باید شکوفا شود و روی زبان بچرخد؛ اینکه چقدر عمیق هستید یا ظاهر بین، اینکه چقدر اطلاعات مفید در ذهنتان جمع شده یا اطلاعات غیر مفید مغزتان را پر کرده است، اصلاً اینکه برای شما چه چیزهایی ارزش دارد و چه چیزهایی بی‌ارزش است. از آنجایی که بنا بر تجربه شخصی همه ما، زبان پرکاربردترین عضو بدن است، پس مهم است که به درونمان خیلی بیشتر از قبل رسیدگی کنیم. اینجا همان جایی است که یک معلم نقش آفرینی می‌کند. معلم شخصیت و درون ما را صیقل می‌دهد و زیبا می‌کند. این هنر معلم است. اوست که می‌تواند شیرینی عدالت را به وجودمان بچشاند و در ذهنمان نهادینه سازد تا همیشه به دنبالش باشیم. از فرهنگ و هنر بگویم و در جان ما شیرینش کند یا اینکه نشان دهد چقدر مبارزه با ظلم با ارزش است و ما را به این نوع مبارزه ترغیب کند. مثل همان هنر جوی لبنانی که زمانی مدیر مدرسه‌اش، یعنی شهید چمران، دوربین را به دستش داد و سیم‌خارده‌های رژیم صهیونیستی را به او نشان داد که تا همیشه جلوی آن‌ها بایستد یا این همه مبارز فلسطینی و یمنی که جلوی مهم‌ترین جلوه ظلم تاریخ ما ایستاده‌اند. بیراه نیست اگر بگوییم دم معلم‌هایشان گرم!

- ۱ نقاش درون
- ۲ معلم زندگی
- ۴ ماشین حساب گرافیکی
- ۶ پیامکی از یخچال
- ۸ ختم همه هنرها
- ۱۰ صیقل روح با «تراشکاری»
- ۱۲ بزرگ فکرکن مثل چمران
- ۱۴ همت و اراده، نوآوری و اخلاقیات
- ۱۶ حسرت «حالا» از ترس «فردا»
- ۱۸ اخلاقیات پنجاه درصد
- ۲۰ اردی «بهشت» شاعران
- ۲۲ میناکاری با تخمه آفتابگردان
- ۲۴ معجزه، کار تیمی و استاد کار!
- ۲۶ جایزه بزرگ بسته بندی
- ۲۸ نبرد هرمز (۵)
- ۳۲ پرتله‌ای از شرف
- ۳۴ «راز» های کارنامه ۲
- ۳۶ ماه بزرگ «داشته» ها
- ۳۸ گپ آخر
- ۴۰ «س» و «بالایی» «س» خت مصاحبه
- ۴۳ گلستانی در آتش
- ۴۶ یک «سراجی» سرپا

مهدی عبدالملکی

نشانی دفتر مجله:  
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶  
صندوق پستی: ۱۵۸۷۵ / ۶۵۸۵  
تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۳۱۱۶۱-۹ / ۰۲۱-۸۸۸۳۱۱۶۱ (۱۰ خطی ۵۴۰)  
نمبر: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۳۱۶

وبگاه: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)  
پيام‌نگار: [honar@roshdmag.ir](mailto:honar@roshdmag.ir)  
صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵ / ۳۳۳۱  
تلفن امور مشترکین: ۰۲۱- ۸۸۸۶۳۰۰۸  
پيامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵  
چاپ و توزیع: شرکت افست

خانواده مجلات رشد  
همه تلاش خود را کرده است  
تا این مجله در دسترس عموم  
دانش آموزان قرار گیرد و همه  
کودکان و نوجوانان میهن عزیز  
اسلامی‌مان امکان تهیه آن را  
داشته باشند.

قیمت: ۱۱۰۰۰۰ ریال



# معلم زندگی

علی مؤمنی



سلام خانم / آقای معلم. وقتی وارد کلاستان شدم، که تازه می‌گفتند قرار است خواندن و نوشتن یاد بگیرم. وقتی که تازه از خانه بیرون آمده بودم و به خانه دومی پا گذاشته بودم؛ کلاس اول. بابت همه چیز نگران بودم. بیش از همه، از اینکه نمی‌دانستم چه اتفاقی در انتظارم است!

طولی نکشید که دلسوزی و مهربانی شما نگرانی‌ها را از یادم برد و غرق در آموزش‌ها و بازی‌هایتان شدم.

هنوز تصویر میز تنبیس که وسط کلاس گذاشتید و همه صندلی‌هایمان را دور تادور کلاس چیدیم و تا آخر سال با بازی‌های متعدد، تمام حروف الفبا را روی این میز تنبیس یاد گرفتیم، در ذهنم هست. از همه شیرین‌تر، آدم‌برفی‌ای که روی میز ساختیم و همگی کنار آن عکس شدیم!

کمی که بزرگ‌تر شدم و پایه اول تمام شد، تابستان از خستگی درس‌های زیادی که خوانده بودم، دوست داشتم به عمد اسم عنوان بندی (تیتراژ) های تلویزیونی را غلط غلط بخوانم، یا شاید هم می‌خواستم به خودم ثابت کنم هنوز قابلیت قبلی خودم، یعنی بی‌سوادی، را حفظ کرده‌ام! اما شدنی نبود. شما مرا با سواد کرده بودید.

پایه دوم که پیشتان آمدم، سریع رفتم میز آخر کلاس نشستم، چون می‌خواستم مثلاً خاص‌تر از بچه‌هایی به نظر بیایم که روی ردیف اول دعا می‌کردند. اما برخلاف تصورم، آنجا بوفه نبود برای بچه‌های درس‌نخوان! آن قدر کار دستی‌های متعدد با ورق کاغذی ساده و تا کردن‌های پشت سر هم به ما یاد دادید که هیچ‌کس دلش نمی‌آمد حواسش سر کلاس نباشد. دیگر آن قدر در خواندن

و نوشتن حرفه‌ای شده بودیم که شما زبان دومی هم به ما آموزش دادید؛ زبان شیرین زرگری! مشغول زرگری صحبت کردن و قورباغه کاغذی درست کردن بودیم که نفهمیدیم کی سر کلاس سوم نشستیم و داشتیم با شما جدول ضرب تمرین می‌کردیم. چقدر حرصتان دادیم و شما همچنان صبور بودید و یکی یکی با ما چهار هفت تا و سه نه تا تمرین می‌کردید. یادتان هست وقتی را که کیف پولتان را بیرون آوردید و شروع کردید درس زندگی دادن به دانش‌آموزان پایه سومی‌تان؟ و گفتید، اینکه چقدر پول داشته باشیم مهم نیست، مهم قناعت کردن و چطور خرج کردن است. حواستان باشد، خیلی هم پول نقد جیبتان نگذارید! حالا که ضرب هم یاد گرفتید، بهتر می‌توانید حساب و کتاب کنید پول توجیبی هاتون رو.

از درس زندگی شما بود که اصرار کردیم برای ما هم کیف پول بخرند. مدام پول‌های داخلش را نگاه می‌کردیم و ضرب و تقسیم می‌کردیم که پایه چهارمی شدیم. بزرگ‌تر شدیم و شما پیاده‌روی بعد از نماز صبح و سحر خیز بودن را به ما آموختید. هر روز صبح که سرویس مدرسه می‌رسید، جلوی مدرسه شمارا می‌دیدیم که از پیاده‌روی برمی‌گردید و داخل مدرسه می‌آیدید. پایه پنجمی هم که شدیم، باز حواستان به سلامتمان بود. داخل حیاط مدرسه، قبل از کلاس، می‌دویدیم. در کل حواس شما به خیلی چیزها بود که ما چطور بار بیاییم و چه چیزهایی بیاموزیم. هر وقت برای امتحانات اضطراب می‌گرفتیم، با چهره آرامتان، نصف مشکل را حل می‌کردید. نیمه بقیه راهم با هم داخل حیاط می‌دویدیم؛ شما هم پایه پای ما. همین

موقع بود که عاشق تاریخ و ادبیات شدیم. به خاطر اینکه تاریخ و ادبیات را با عشق درس می‌دادید. از همان موقع تا حالا هر وقت داخل کلاس و کارگاه می‌نشیم، حس و حال همان حس و حال ابتدای پایه اول است؛ همان وقتی که یخم باز شد و خانه دوم را با همه وجود درک کردم. اینجا خانه دوم بود و شما هم معلمی که مثل پدر و مادری دلسوز برای ما وقت می‌گذاشتید. حواستان به زندگی و آینده‌مان بود. حتی وقتی دعا می‌کردید هم داشتید برای خوشبختی مان حرص می‌خوردید. این حرص خوردن را از رگ گردن بیرون زده‌تان و چشم‌هایتان می‌شد فهمید. این حس فقط یک حس معلمانانه است.

حالا زیر سایه شما بزرگ‌تر شده‌ام و شما هم به پای من موی سفید کرده‌اید و عمرتان را پای من و دوستانم گذاشته‌اید. قدر دانستن این همه محبت غیر ممکن است، برای همین یک جمله را از من قبول کنید: خیلی دوست دارم معلم زندگی من!

همین یک جمله  
را از من قبول  
کنید؛ خیلی  
دوست دارم  
معلم زندگی من!

آموزش به زبان پایتون

## ماشین حساب گرافیکی



# Python

## programming

فاطمه حیدری های (هنر آموز)، فاطمه نیک بخش (هنر جو)

### مقدمه

تینکر یک کتابخانه استاندارد در پایتون برای ساخت واسطه‌های گرافیکی است. این انتخاب نه تنها به دلیل استاندارد بودن آن، بلکه به دلیل سهولت کار نیز صورت گرفته است. با استفاده از آن می‌توان به مباحث شیء‌گرایی نیز پرداخت. در دنیای امروزی پر از فناوری، ابزارهایی نرم‌افزاری همچون ماشین‌های حساب، از نقاط کلیدی در تسهیل محاسبات و اعمال ریاضیاتی هستند. اما به دلیل تعامل بیشتر با کاربران، نیاز به واسطه‌های گرافیکی و کاربرپسند احساس می‌شود.

### توضیحات مراحل ساخت برنامه

برای ساخت این ماشین حساب، ابتدا با وارد کردن کتابخانه تینکر شروع می‌کنیم. سپس تابع‌هایی را برای اعمال عملیات ماشین حساب تعریف می‌کنیم. این تابع‌ها عملکرد دکمه‌ها را به صورت دقیق مشخص می‌کنند. سپس یک پنجره گرافیکی اصلی ایجاد می‌شود و ابزارک

در دنیای پرفراز و نشیب امروز، دانش از بُعدی جدید بهره‌مند شده است و یکی از ابزارهای قدرتمند برای این هدف، برنامه‌نویسی نوجوانان است. با پیشرفت فناوری و تأثیر آن در تمامی جوانب زندگی، این مهارت به زبانی جهانی تبدیل شده است و به نوجوانان فرصت می‌دهد به صورت خلاق با فناوری ارتباطی مرتبط شوند و برای بهبود مسائل اجتماعی و فردی کار کنند.

یادگیری برنامه‌نویسی نوجوانان را به دنیای منطقی، تفکر تحلیلی و حل مسئله هدایت می‌کند. این مهارت نه تنها آنان را با زبان فناوری‌آشنا می‌کند، بلکه خلاقیت و ابتکار در حل مسائل را نیز به دست می‌دهد. همچنین، یادگیری برنامه‌نویسی به توسعه تفکر منطقی و تحلیلی، تعامل با فناوری اطلاعات، و افزایش توانمندی در دانشگاه و بازار کار می‌انجامد.

در این مقاله، با استفاده از کتابخانه تینکر در پایتون، یک ماشین حساب گرافیکی می‌سازیم.

```

1
import tkinter
import sys

root = tkinter.Tk()

def on_click(button_text):
    current_text = result_var.get()
    if button_text == '+':
        result = eval(current_text)
        result_var.set(result)
    except:
        result_var.set("Error")
    # فشرده شود محتویات ماشین حساب را پاک کن
    elif button_text == 'C':
        result_var.set("")
    # فشرده شود متن دکمه فشرده شده را به انتهای ماشین حساب اضافه کن
    else:
        result_var.set(current_text + button_text)

```

```

2
# ایجاد پنجره اصلی
root = tkinter.Tk()
root.title("ماشین حساب")

# تعریف متغیر برای نمایش نتیجه
result_var = tkinter.StringVar()
result_var.set("")

```

```

3
# نمایش نتیجه از یک ریاضی
result_label = tkinter.Label(root, textvariable=result_var, font=('Arial', 18), anchor='n',
                             relief=tk.RAISED, bd=1)
result_label.grid(row=0, column=0, columnspan=4)

# تعریف دکمه‌ها
buttons = [
    '+', '-', '*', '/', 'C', '=', '1', '2', '3', '4', '5', '6', '7', '8', '9', '0',
]

```

```

4
# قرار دادن دکمه‌ها در پنجره
row_val = 1
col_val = 0

def button_text_in_buttons():
    tk.Button(root, text=button_text, width=5, height=2, command=lambda b: button_text, on_click=
    on_click,
    row_val = 1
    col_val = 0
    row_val += 1
    col_val += 1
    row_val += 1
    col_val += 1

# اجرا
root.mainloop()

```



ویجت‌هایی نظیر برچسب و دکمه در آن قرار می‌گیرند. توضیحات دقیقی درباره نحوه قرار دادن دکمه‌ها در یک شبکه و مشخصات ظاهری آن‌ها نیز داده شده است. در نهایت، برنامه‌ای را ارائه داده‌ایم که به وسیله آن می‌توانید یک ماشین حساب گرافیکی نوآورانه بسازید و از آن به عنوان ابزار کمکی در محاسبات خود استفاده کنید.

## ۱. وارد کردن کتابخانه تینکر و تعریف تابع‌ها

(تصویر ۱)

تعریف تابع `on_click`: این تابع مشخص می‌کند در هر بار فشردن دکمه چه اتفاقی باید صورت گیرد. اگر دکمه "=" فشرده شود، عملیات حسابی انجام می‌گیرد. اگر دکمه "C" فشرده شود، محتویات ماشین حساب پاک می‌شود. در غیر این صورت، متن دکمه را به انتهای ماشین حساب اضافه می‌کند.

## ۲. ایجاد پنجره اصلی و تعریف متغیر برای نمایش نتیجه

(تصویر ۲)

## ۳. برچسب نمایش نتیجه در یک ویجت و تعریف دکمه‌ها

(تصویر ۳)

## ۴. قرار دادن دکمه‌ها در پنجره و اجرا

(تصویر ۴)

بعد از اجرای کد برنامه، صفحه ماشین حساب به صورت گرافیکی اجرا می‌شود و منتظر وارد کردن اعداد و محاسبه خواسته شده است.

(تصویر ۵)

و بعد از فشردن علامت مساوی، نتیجه محاسبه را نمایش می‌دهد: امیدوارم این هشت مقاله پایتون برای شما هنرجویان عزیز مفید و شروع یک راه هیجان‌انگیز باشد. مهارت برنامه‌نویسی نه تنها ابزاری فنی است، بلکه یک زبان جهانی است که به شما امکان می‌دهد به دیگران در سرتاسر جهان پیام بفرستید. با قدم گذاشتن در مسیر برنامه‌نویسی، با چالش‌ها و مشکلات مسائل ریاضی و منطقی نیز آشنا می‌شوید. این مهارت‌ها بر آینده شما تأثیر مستقیم دارد. پس به نوجوانان توصیه می‌شود با انگیزه و اشتیاق به دنیای برنامه‌نویسی خوش آمد بگویند و با این مهارت قدرتمند، در آینده‌شان راه‌گشایی کنند.

(تصویر ۶)

پی‌نوشت‌ها

1. Tkinter
2. Label
3. Button

# پیامکی از یخچال!

احمد صداقتزاده

یادتان که نرفته، اینجا جایی است که قرار بود از زاویه‌ای امروزی و نوین به دنیای دیجیتال اطرافمان نگاه کنیم و بتوانیم با فراگیری دانش و مهارت‌های استفاده از این دنیای دیجیتال زده، زندگی نزدیک‌تری به لبه فناوری در دنیا داشته باشیم. در این شماره می‌خواهیم در مورد اینترنت اشیا حرف بزنیم. اینترنت اشیا یا به اختصار «ای‌آی» به هر دستگاه فیزیکی در سراسر جهان گفته می‌شود که به شبکه اینترنت متصل است، اطلاعات را جمع‌آوری می‌کند و با کاربر یا دیگر دستگاه‌های متصل به اینترنت به اشتراک می‌گذارد. «سیسکو» (بزرگ‌ترین شرکت مطرح در حوزه تجهیزات شبکه) در سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۱م) اعلام کرد اینترنت اشیا حدود سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۶ (۲۰۰۸ و ۲۰۰۹) «متولد» شده است؛ یعنی همان زمانی که تعداد دستگاه‌های متصل به اینترنت از تعداد افراد زنده روی کره زمین بیشتر شد.



تماشا کن

## اینترنت اشیا (ای‌آی)

به هر دستگاه فیزیکی در سراسر جهان گفته می‌شود که به شبکه اینترنت متصل است، اطلاعات را جمع‌آوری می‌کند و با کاربر یا دیگر دستگاه‌های متصل به اینترنت به اشتراک می‌گذارد



## اینترنت اشیا بدون دخالت انسان کار می‌کند و صرفاً بر ارتباط ماشین با ماشین متکی است. داده‌های ثبت و جمع‌آوری شده در زمان واقعی، در هر زمان از روز یا شب، قابلیت تحلیل دارند

راه‌اندازی اینترنت اشیا کار ساده‌ای است؛ اولین چیزی که نیاز دارید، حسگرها و دستگاه‌هایی با قابلیت جمع‌آوری، ذخیره، انتقال و دریافت داده‌اند. مؤلفه بعدی اتصال است، چرا که داده‌های جمع‌آوری شده باید بین دستگاه‌های متعدد مبادله شوند تا در واقع بین آن‌ها ارتباط برقرار شود. عاملی که این ارتباط را ممکن می‌کند، شبکه اینترنت است. تقریباً تمام اجسام فیزیکی می‌توانند به دستگاه اینترنت اشیا تبدیل شوند، به شرط اینکه قابلیت اتصال به شبکه اینترنت را داشته‌اند. تا از این طریق کنترل شوند یا با کاربر و دستگاه‌های دیگر اطلاعات ردوبدل کنند.

احتمالاً نام یخچال هوشمند را شنیده باشید! باید یکی از جالب‌ترین کاربردهای اینترنت اشیا را با هم بررسی کنیم: فرض کنید در خودروی خانواده هستید. خودرو به تلفن همراه هوشمندتان متصل است و این تلفن هوشمند به یخچال هوشمند شما در خانه اتصال دارد. در این بین، یخچال به تلفن همراه شما پیغامی می‌فرستد و تمام شدن یک خوراکی را به اطلاع‌تان می‌رساند. این پیام روی صفحه اصلی لوح خودرو به نمایش درمی‌آید و روی نقشه، نزدیک‌ترین مغازه را برای خرید خوراکی به شما نشان می‌دهد. قفسه‌های سوپرمارکت هم متصل هستند. حالا روی لوح خودرو با این پیام روبه‌رو می‌شوید که سوپرمارکت خوراکی موردنیاز شما را دارد.

برخی ممکن است اینترنت اشیا را چیزی بیش از یک فریب توصیف نکنند. اینترنت اشیا بدون دخالت انسان کار می‌کند و صرفاً بر ارتباط ماشین با ماشین متکی است و داده‌های ثبت‌شده و جمع‌آوری‌شده در زمان واقعی، در هر زمان از روز یا شب، قابلیت تحلیل دارند. در این صورت، کارکنان شرکت‌ها و سازمان‌ها دیگر به صرف زمانی ارزشمند برای جمع‌آوری و پردازش اطلاعات نیاز ندارند، زیرا ماشین‌ها می‌توانند به‌طور مؤثر این کار را بر عهده بگیرند. این مزیت اینترنت اشیا زمان بیشتری به کارکنان می‌دهد تا خلافت‌ها عمل کنند و بتوانند به‌جای جمع‌آوری خودداده‌ها، بر استفاده از اطلاعات جمع‌آوری‌شده متمرکز شوند.

لامپ هوشمند یکی از بهترین و ساده‌ترین نمونه‌های مدیریت و خودکارسازی از طریق اینترنت اشیا است. اینترنت اشیا تمام مزیت‌های کاربردی اینترنت را به وسایلی مثل لامپ و ترموستات می‌دهد. اما در عین حال، تمام ایرادها و خطرهای اینترنت را هم با خود به همراه می‌آورد. تقریباً هر دستگاه متصلی در خانه در معرض حمله سایبری قرار دارد و حتی ممکن است به‌طور کامل از کار بیفتد. اگر اینترنت قطع شود، دستگاه متصل نیز از کار می‌افتد. اگر دستگاه مسیر یاب شبکه با مشکل مواجه شود، دیگر نمی‌توانید از سامانه گرمایشی هوشمند خود استفاده کنید یا حتی در هوشمند خانه را باز کنید. بسیاری از این وسایل از طریق نرم‌افزارهایی اجرا می‌شوند که اگر شرکت

سازنده آن‌ها ورشکست شود یا دیگر نرم‌افزار را به‌روزرسانی نکند، دستگاه هوشمند شما نیز ممکن است به‌قطع بی‌صرفی بدل شود. خطر هک شدن دستگاه‌های اینترنت اشیا شوخی نیست. به این فکر کنید که اگر در هوشمند خانه شما هک شود، افراد غریبه می‌توانند به راحتی وارد خانه شوند. خطر دیگر اینترنت اشیا، موضوع حریم شخصی است. خانه هوشمند را در نظر بگیرید. این خانه می‌داند کی از خواب بیدار می‌شوید (وقتی قهوه‌ساز هوشمند روشن می‌شود)، چطور مسواک می‌زنید (مسواک هوشمند)، به کدام موج رادیویی گوش می‌دهید (ضبط صوت و بلندگوی هوشمند)، چه نوع غذایی می‌خورید (اجاق یا یخچال هوشمند) و چه کسی به خانه شما سر می‌زند یا از کنار خانه شما عبور می‌کند (زنگ در هوشمند).

تهدیدی که متوجه دستگاه‌های متصل به اینترنت است، فقط به این خاطر نیست که آن‌ها به اینترنت متصل هستند، بلکه به این خاطر است که در تولید این محصولات، مسائل امنیتی همیشه در اولویت سازندگان نبوده است! با دانستن این اطلاعات در مورد اینترنت اشیا، نمی‌توان تأثیر فناوری اینترنت اشیا در زندگی روزمره و بازار کار را نادیده گرفت. همه ما هنرجویان به نوآوری‌هایی نیاز داریم که چالش‌های زندگی آینده را برای ما حل و مسیر را آسان‌تر کنند و اینترنت اشیا نیز ابزاری است که همواره می‌تواند ما را در این راه کمک کند. این راه در نظر بگیرید که با افزایش تعداد دستگاه‌های متصل، محیط زندگی و حتی همین هنرستانی که در آن درس می‌خوانید، از محصولات هوشمند پر می‌شوند. برخی افراد با آغوش باز از عصر جدید اشیا هوشمند استقبال خواهند کرد، در حالی که برخی دیگر برای روزهایی که صندلی فقط صندلی بود و کاربرد دیگری نداشت، دل‌تنگ خواهند شد.

### پی‌نوشت

1. IOT: Internet of Things

# کلمه‌های زیاده

مهارت‌نویسی

به کل دوست داریم معلمان درس ندهند، همگی دست‌ها به پشت سر و درون کیف‌ها بود برای بیرون آوردن دفتر و قلم. ناگهان اما صدای ملایمی از نیمکت بغلی به گوش رسید که: «چقدر خوشگله!»

خب این حرف، آن هم ناگهانی و وسط سکوت کلاسی، می‌تواند توجه همه را جلب کند و همین‌طور هم شد. همه که برگشتند، سوالی که می‌شد از همه چشم‌ها فهمید این بود که: «چی چقدر خوشگله؟!»

قبل از پاسخ کسی و در حین دودزدن‌های چشم بچه‌ها، جامدادی حسین جواب سؤال را داد. یک جامدادی چوبی که درش کشویی باز می‌شد و اطرافش هم پر بود از نقش و نگارهای چوبی. خیره‌کننده بود! جذاً زیبا بود!

آقای نصیری متوجه موضوع که شد، انگار در ذهنش چراغی روشن کرده باشند، گفت: «حسین این جامدادی رو از کجا آوردی؟»

- آقا اجازه؟ پدر بزرگم خودش ساخته و روز تولدم بهم هدیه داده.

- پدر بزرگت کارش اینه؟

- بله آقا. خاتم کاری می‌کنه.

- خب، پدر بزرگت چطور می‌تونه همچین چیز قشنگی بسازه؟

حتی یک جامدادی هم می‌تواند چشم‌ها را خیره کند. داستان از این قرار است که سر کلاس، معلممان، آقای نصیری، گفت می‌خواهد درباره یکی از مباحث درسی چند خطی جزوه بگوید تا برای امتحان و فهم بهتر درس کمک‌حالمان باشد. بعد گفت همگی دفتر و قلم بیرون بیاورید تا شروع کنیم: درس مدیریت تولید و موضوع کیفیت. آقای نصیری مثال‌های متعددی از جنس‌های باکیفیت و بی‌کیفیت دور و بر خودمان زد. از میز و تخته و صندلی تا ماشین و موتور و بازی. همه می‌توانستیم مثال‌هایی بزنیم، اما نمی‌توانستیم توضیح دهیم کیفیت یعنی چه؟ مثلاً محصول چطور باشد تا با کیفیت قلمداد شود؟ بد ماجرا هم این بود که اگر ما نمی‌توانستیم توضیح دهیم کیفیت چه هست و چطور به دست می‌آید، پس فردا که خودمان هم کارو کاسبی مان را راه انداختیم، بلد نبودیم در محصول و خدماتی که داشتیم کیفیت ایجاد کنیم و اصلاً نمی‌دانستیم از کجا شروع کنیم. این بود که استاد بنا کرد بر جزوه گفتن و توضیح دادن.

در این گیر و دار و وسط غرولندهای همیشگی بچه‌ها که بعضی‌هایشان دائم خسته‌اند و بعضی‌هایمان در روزهای پایانی سال تحصیلی



دیدنی

دقیق و زیباست. از کمترین مواد اولیه اما با دقت و حوصله و هنر، زیباترین چیزها رو می سازن. کلی وقت و انرژی می گذارن و بیشترین استفاده رو از امکاناتشون می برن تا چنین چیزی درست بشه. حالا شما هم هر جا بودید، آگه همین کارارو بکنید، کارتون با کیفیت می شه. اما اگر بخوایم الکی کارارو سمبل کنیم، معلومه که آخر کار کیفیتم به دست نیامد.

- آقا اجازه؟! نابرده رنج گنج میسر ...

هنوز کلمه «گنج» تو نم نشده بود که صدای جمعی می آمد:

«پنج، شیش، هفت...!»

آقای نصیری گفت: «خب، دفترهاتون رو باز کنید و بنویسید کیفیت یعنی جامدادی حسین. همین و تمام!»

- آقا راستش من خیلی وارد نیستم، ولی فک کنم اول یه سری چوب و اینا با رنگ های متنوع پیدا می کنه، بعد اونا رو منظم و هم اندازه برش می زنه و بعد شروع می کنه به درست کردن این شکل ها. خیلی سخته آقا!

آقای نصیری انگار که جواب سؤال هایش را خوب نگرفته باشد، خودش جواب حسین را کامل کرد: «خاتم کاری یکی از هنرهای دستی فوق العاده ارزشمند و زیبای ایرانیه که مشتری های پرو پاقرصی هم داره. هنرمندای خاتم ساز با چوب، استخوان و بعضی وقت ها فلز کار می کنن. قبلاً اون ها رو تمیز می کنند و برش می زنند و بعد با سوهان کاری صیقل می دهند. بعد بیشتر وقت ها به صورت مثلی برششون می زنند و از اون ها شکل های هندسی ظریف و ریزی می سازن. من خودم از یکی از خاتم سازاشنیدم که می گفت برای ساخت این شکالای هندسی حداقل سه مثلث و حداکثر چهارصد مثلث استفاده می شه.

- صدای یا ابوالفضل بچه ها از شنیدن عدد چهارصد بلند شد.

- خب، آقا درسته که خیلی خوشگل و با کیفیته، ولی خیلی سخته.

آقای نصیری سریع خط رو گرفت که: «از کجا فهمیدی با کیفیته؟»

- خب، آقا این خیلی با دقت کار شده. اگر این مثلث ها از جنس چوب و اینا هستن، خیلی با حوصله روی مواد اولیه هم کار کردن و سوهان زدن، چون در نگاه اول من نفهمیدم جنس این مثلث ها از چوب و استخوانه. از نظر زیبایی هم که حرف نداره.

- آها، پس حالا می تونید توضیح بدید که کیفیت یعنی چی! دقیقاً همین طوره. این هنر اصیل ایرانی یک کار پرزحمت و

**خاتم کاری یکی از هنرهای دستی فوق العاده ارزشمند و زیبای ایرانیه که مشتری های پرو پا قرصی هم داره**





در زمینه بازار کار در رشته‌های هنرستانی، در این شماره به سراغ فردی رفتیم که مدت‌ها پیش هنرجوی هنرستان بوده است. ایشان ادامه‌دهنده راه پدر بزرگوار خویش است و توانسته درجه‌های بالایی کسب کند. حرف‌های ایشان شنیدن دارد؛ به‌خصوص که رئیس اتحادیه صنف تراشکاران هم هست.

# صیقل روح

## با «تراشکاری»

گفت‌وگو کننده: امیر مهدی مرادیان

«سلام، لطفاً خودتان را معرفی کنید.»

محمد دربانی ترییزی هستم؛ متولد ۱۳۵۲. مدیرعاملی و ریاست اتحادیه ادوات کشاورزان و تراشکاران شهرستان کاشمر را بر عهده دارم.

«از چه زمانی وارد این حرفه شدید؟»

از سال ۱۳۴۲ پدر بزرگوار من در این کار بود. من نیز از دوران ابتدایی در کارگاه پدر رفت و آمد داشتم. اصل کارم در سال ۶۹ بود که از هنرستان دیپلم گرفتم. تا قبل از سربازی، یک سال و نیم به صورت مداوم در این کار مشغول بودم. بعد از آن دو سال به سربازی رفتم. از سال ۷۳ به صورت رسمی و کامل کار خودم را در شرکت شروع کردم.

«رشته شما در هنرستان چه بود؟»

برق یا الکتروتکنیک.

«چطور شد که با وجود حرفه پدر به این رشته رفتید؟»

من از اول به رشته پدر علاقه داشتم و چون آشنایی تجربی نسبی با آن داشتم، تصمیم گرفتم در کنار آن برق را اضافه کنم تا بتوانم در بازار بیشتر از آن استفاده کنم.

«به نظر شما چه کسی می‌تواند در رشته ماشین ابزار موفق باشد؟»

کسی که علاقه داشته باشد. متأسفانه الان اکثر هنرجویان و جوانان ما دوست دارند مدرکی بگیرند و بعد به‌عنوان مهندس یا کارشناس پشت میز بنشینند و مدیریت کنند؛ چند تا کارگر هم داشته باشند. این اشتباه است. اگر مهندسان و کارشناسان ما خودشان کمر همت ببندند و لباس کار بپوشند و به‌طور عملی کار کنند، نتیجه به‌مراتب بهتر می‌شود؛ چون هم نظری خوانده‌اند و هم عملی را گذرانده‌اند. به نظر من این خیلی بهتر است.

خواستن توانستن است.  
موفقیت این نیست که  
پشت میز بنشینی. کار  
شما کار عملی است. باید  
لباس کار تن کنی و با جان  
و دل در کارگاه کار کنی

## «یعنی شما که الان پشت میز نشسته‌اید، یک دور کامل عملی کار کرده‌اید؟»

بله. الان هم من بیشتر اوقات لباس کار می‌پوشم و در کارگاه کار می‌کنم. من خودم به تراشکاری کاملاً مسلطم و طراحی دستگاه‌ها را انجام می‌دهم. به‌عنوان مثال، در ادوات کشاورزی خرمن‌کوب‌های بوجاری را تولید کردم. همچنین، با توجه به اینکه نمایندگی تراکتورسازی را داریم، کارهای مکانیکی انجام می‌دهم. بعضی اوقات در کارگاه مکانیک و بعضی اوقات در کارگاه تولید ادوات کشاورزی و تراشکاری کار می‌کنم. خدا شاهد است، روزهایی که من کار فنی می‌کنم و در کارگاه هستم، روحیه‌ام خیلی بهتر از روزهایی است که کار دفتری انجام می‌دهم.

## «به نظر شما مدت زمانی که هر تراشکار برای ورود به بازار کار باید آموزش ببیند چقدر است؟»

بسته به علاقه، اگر فرد از همان دوره ابتدایی بتواند در کارگاه‌های صنعتی و شرکت‌ها شاگردی کند و تجربه کسب کند، با آمادگی‌ای که در هنرستان به دست می‌آورد، فکر می‌کنم پنج سال سابقه نیاز باشد تا بتواند مجوزهای لازم را دریافت کند و کاری را شروع کند که درآمدش هم خوب باشد.

## «در صنعت ماشین‌سازی یا تراشکاری چه نرم‌افزارهایی مورد نیازند؟»

قبلاً کارها را تجربی انجام می‌دادند. یعنی قطعه‌ای را درست می‌کردند، خراب می‌شد و دوباره آن را درست می‌کردند. این کار از نظر زمان و قیمت مقرون به صرفه نیست. پس ما مجبوریم اول با استفاده از نرم‌افزارهای گوناگون طراحی انجام دهیم. اگر هنرجو با فناوری‌های جدید آشنا باشد، کار هم مقرون به صرفه‌تر می‌شود و هم شکل‌تر و جالب‌تر.

## «به نظر شما، کار در رشته ماشین‌ابزار و صنایع ماشین‌سازی چه میزان به مهارت عملی و چه میزان به دانش نظری نیاز دارد؟ اگر بخواهید در صدی به هر کدام اختصاص دهید، این درصدها چگونه است؟»

به نظر من ۳۰ درصد نظری و ۷۰ درصد عملی.

## «برای ورود هنرجوی هنرستان به بازار کار چه مراحل باید طی شود؟»

از ابتدا که هنرجو در هنرستان کار کارگاهی را می‌گذراند، اگر تعاملی انجام بشود بین اتحادیه مربوطه، اداره صمت و هنرستان، به طوری که صمت بیاید نیازهایش را به هنرستان اعلام کند و با کارگاه‌ها، کارخانه‌ها، شرکت‌ها، اصناف و جاهایی که کارهای فنی انجام می‌دهند ارتباط برقرار شود، بسیار مفید خواهد بود. این شرایط هم به نفع هنرجوست و هم به نفع اصناف. ما بعضی اصناف را داریم که تجربی کار کرده‌اند. آن‌ها می‌توانند از اطلاعات، معلومات،

نرم‌افزارها و ایده‌های هنرجو استفاده کنند. هنرجو هم تشویق می‌شود. اتحادیه تراشکاران هم می‌توان گفت قلب اتحادیه‌های دیگر است. قلب صنفاست. صنعت شهرستان دست تراشکاران و صنعتگران است.

## «آیا در حال حاضر اصناف و نهادهای دولتی برای ورود هنرجویان به بازار کار آن‌ها را حمایت می‌کنند؟»

در حال حاضر خواسته باشیم راستش را بگویم نه. به هیچ وجه.

## «با توجه به اینکه شما ریاست اتحادیه تراشکاران شهرستان را بر عهده دارید، آیا در این باره اقدامی کرده‌اید؟ آیا حاضرید در این زمینه ایده بدهید و کاری را در عمل انجام دهید؟»

بمنده حدود ۱۱ ماه است این سمت را در دست گرفته‌ام. خوشبختانه کارهای خوبی در این زمینه انجام داده‌ایم. اخیراً با کارشناسان اداره صمت در این خصوص صحبتی داشتیم. این صحبت را با شما نیز انجام دادیم. ما می‌توانیم با هنرستان، اداره صمت و اتحادیه هماهنگی ایجاد کنیم. لازم است بازدیدهایی از هنرستان داشته باشیم و توانایی‌های هنرستان دیده شود. الان اکثر مردم شهرستان از توانایی‌های هنرستان و قابلیت‌های آن بی‌اطلاع‌اند. من چون خودم فنی بودم و در هنرستان بودم، می‌دانم، دستگاه‌هایی که در هنرستان هستند، بی‌ظنند. این باعث افتخار است، ولی از این امکانات استفاده خوبی نمی‌شود. اگر ما بتوانیم تولید بعضی از قطعاتی را که الان در بازار لازم داریم، به هنرستان بسپاریم، این بهترین کار است. اگر بتوانیم قطعات را با توجه به دانشی که در هنرستان وجود دارد، استانداردسازی کنیم، به‌مراتب خیلی بهتر است. اینکه هنرجو بداند بازار کاری برایش هست، بسیار خوب خواهد بود.

## «ما قول پیگیری را از شما بگیریم؟»

بمنده با کمال میل و با افتخار این قضیه را دنبال می‌کنم.

## «آیا کارگاه‌های خصوصی نظیر کارگاه شما حمایتی از هنرجویان می‌کنند؟»

قبلاً یعنی حدود چهار پنج سال قبل ما هنرجو داشتیم و با هنرستان در ارتباط بودیم. من خودم سعی می‌کردم کارهای تخصصی را به هنرجویان بسپارم و به عبارتی بیگاری از هنرجو نکشم. از طرف هنرستان نیز لازم است حضور هنرجو در محل کارش با جدیت بازرسی شود. همچنین، قبل از اینکه هنرجو به سر کار برود، باید اصناف نیز توجیه باشند و بدانند هنرجو کسی است که می‌خواهد به تجربه‌های خود بیفزاید. او در هنرستان روی درس‌های خودش کار کرده است و دانشی دارد. نکته مهمی است که واحد صنفی ما بداند کارهای بیهوده از هنرجو انتظار نداشته باشد. این خوب است که واحدهای صنفی مان

بیایند از محیط هنرستان بازدید کنند و ببینند هنرستان‌ها چه دستگاه‌هایی دارند و هنرجو که می‌آید پیششان، نا آشنا نیست. همان طور که هنرجوی ما می‌خواهد بیاید در بازار شناختی کسب کند، قبل از آن بازاریان ما باید نسبت به هنرستان و ماشین‌آلات و امکانات و مدرسان و دانش هنرستان شناختی کسب کنند.

## «این مجله رشد هنرجوست. اگر توصیه‌ای به هنرجویان دارید، بفرمایید:»

خواستن توانستن است. موفقیت این نیست که پشت میز بنشینم. کار شما کار عملی است. باید لباس کار تن کنی و با جان و دل در کارگاه کار کنی. هیچ عار و خجالتی ندارد. من خودم لباس کار می‌پوشم و روزهایی که در کارگاه کار می‌کنم، به‌مراتب روحیه‌ام خیلی بهتر از مواقعی است که در دفتر هستم. صنعت ما روز به روز رو به رشد است و الان ما در قسمت صنعت به نیروی کار نیاز داریم؛ به خصوص نیروی کار متخصص و متعهد که دانش داشته باشد. مطمئن باشید و دغدغه کار را نداشته باشید. کار زیاد است. من خودم حاضرم ۱۰ تا نیروی هنرستان را اینجا به کار بگیرم.

## «از وقتی که برای این مصاحبه گذاشتید سپاسگزارم.»

خواهش می‌کنم. سلامت باشید.





تماشا کن

# چرا زندگی

بسم الله. سلام و عرض ادب و آرزوی حال خوب در سال جدید در کنار آدم‌های جدید. یادتان هست در شماره قبل با بسم الله خدا حافظی کردیم؟ گفتیم حالا زمان باز شدن است. زمان شروع کردن فصل جدید زندگی مان. امروز هم با بسم الله شروع کردیم که آغازگری را با هم زمزمه کرده باشیم. امیدوارم درخت هدف زندگی مان را کار درست رسم کرده باشید.

# چمران

فاطمه انصاری



## ● خانم انصاری شگفتانه ما چیه؟

دندان مبارک را کمی بر سر جگر بگذارید. قولی که دادم یادم هست. قبل از آن باید حواسمان به چند نکته کنکوری باشد: اول اینکه موتور محرک هدفمند شدن، داشتن انگیزه است. انگیزه سازی به ما کمک می کند راه را پیدا کنیم و از مسیر صحیح خارج نشویم. پس در رسیدن به قله نقشی کلیدی ایفا می کند. ولی باید خیلی دقت کنیم. انگیزه با هیجان متفاوت است. اگر به جای انگیزه از هیجان استفاده کنیم، موتور هدفمان وارد جاده خاکی می شود و سر از ناکجا آباد در می آوریم.

ارتباط، حفظ ارتباط و تلاش برای تداوم ارتباط، دومین نکته ای است که باید به آن توجه کنیم؛ آدم هایی که اطراف ما هستند، از خانواده تا دوست و آشنا و حتی اصغر آقای کله پز و صغرا خانم زن پسر عمه پدر بزرگ مادری تان، همه و همه می توانند پلی شوند برای رسیدن به هدف تان. یاد تان باشد همه ما نیازمند دیده شدن و نیازمند تأیید شدن از سمت اطرافیانمان هستیم. در کنار اینکه هر کدام از این آدم ها می توانند راهکارهای منحصر به فردی در مسیر پیشرفت به ما بدهند.

سومین نکته این است که یاد تان باشد، شما در مرحله آمون و خطا هستید. اولین کاری که باید بکنید، این است که از تجربه های دیگران استفاده کنید تا بتوانید زودتر مسیر را پیدا کنید و به مقصد برسید. گاهی انتخاب های ما سبب دوری از مسیر می شوند. با

کمک گرفتن از تجربه های دیگران، می توانید این خطر را به حداقل برسانید. آخرین نکته یا همان چهارمین نکته این است که تجربه کردن مهارت ها و حرفه های متعدد، ما را برای رسیدن به هدف، سه هیچ از بقیه جلو می اندازد. اما یاد تان باشد، برای این دانش هایی که کسب می کنید، مدرکی هم داشته باشد. ارائه این مدارک باعث می شود در نگاه بقیه بالاتر بروید. این نگرش فرصت های بیشتری را در اختیار شما قرار می دهند و همین راه به رشد شما کمک بسیار زیادی می کند.

خب، خب، خب. بعد از یاد گرفتن نکات کنکوری رسیدن به هدف، نوبتی هم باشد، نوبت شگفتانه است.

دفترچه درختی را یاد تان هست؟ در صفحه بعدش آن نام اجتماعی را که به خودت دادی، یادداشت کن. هدف و روند مسیر را هم که در صفحه درختی نوشته بودی. کاری که باید بکنی، این است که برای چهل سالگی ات یک هدیه آماده کنی. این هدیه

کامل کردن این دفترچه است. اگر بتوانی مسیر و تجربه ها و اتفاق های مسیر را به خوبی بنویسی، شاید بتوانی آن را به عنوان الگوی کتاب مسیری که من از نوجوانی تا ۴۰ سالگی طی کردم، به چاپ برسانی.

شگفتانه در واقع داشتن یک الگوست. باید انسانی موفق با تجربه های مفید را به عنوان الگوی خودت در نظر بگیری؛ کسی که تا انتهای مسیر راه به خوبی طی (نه تی) کرده باشد. این اسوه می تواند چراغ راهی برای تو باشد که در پیچ و خم های زندگی، مسیرهای سنگلاخ و تاریک، از او کمک بگیری.

الگوی من، فاطمه انصاری، غیرتمند و مقتدر بودن، روح لطیف و مهربانی داشت. در کنار استوار بودن، غیرتمند و مقتدر بودن، روح لطیف و مهربانی داشت.

الگوی من شهید چمران بود؛ انسانی که حرف ها و تحلیل هایش فقط روی کاغذ نبودند، بلکه در فراسوی جهان هم قرار و بی قراری را بین مردم به وجود می آورد تا آن ها هم رنگ زندگی کردن بگیرند. راه درست را برای همه ترسیم می کرد. اگر مشتاق شدید بیشتر بشناسیدش، زندگی نامه شان را بخوانید تا ببینید بزرگ مردی مثل شهید چمران، در زمان حیاتش، چقدر در گمنامی کار کرد. خدا هم اجر این گمنامی را بعد از شهادتش داد.

همچنین که هم دوره ما، حاج قاسم، عمومی که بسیار زیبا فکر می کرد و می جنگید، عمومی که برای بزرگ و کوچک واقعاً سرباز بود؛ سربازی دلسوز و مقاوم. این افراد اسوه هایی هستند که ما با پوست و گوشت و استخوانمان لمسشان کردیم.

همه این حرف هایی که زدیم، قرار بود ما را به اینجا برساند که جوری زندگی کنیم و هدف داشته باشیم که دفترچه درختی مان یک الگو باشد برای آیندگان. به گفته خود حاج قاسم، هر کس برای دیده شدن کار نکند، خدا برای دیده شدنش کار می کند. پس تلاشمان بدین صورت باشد که نگاه وسیع و جهانی داشته باشیم. درست فکر کنیم و یادمان باشد، کمال گرایی کار را به زمین می زند، ولی بزرگ فکر کردن باعث رشد ما می شود و بزرگمان می کند.

از اینکه در این چند شماره همراه و هم سفرمان بودید، ممنونیم.

یا علی

خدانگهدار

**الگوی من شهید چمران بود؛ انسانی که حرف ها و تحلیل هایش فقط روی کاغذ نبودند، بلکه در فراسوی جهان هم قرار و بی قراری را بین مردم به وجود می آورد تا آن ها هم رنگ زندگی کردن بگیرند**



با همت بلند، مسیر موفقیت کوتاه می‌شود.

### همت و اراده

سیمان بخورد آب شود محکم‌تر  
این نکته ساده را تو هم می‌دانی  
هفتاد و دو درصد بدن از آب است  
ای کاش که عزممان شود سیمانی

زبان مادری اراده دو حرف دارد  
«ن» و «ه»، نه!  
این زبان حرف ندارد، نه؟

اراده قوی و بزرگ  
مشکلات را ضعیف و کوچک می‌بیند.



# اراده



# همیشه

نویسنده: مهدی فرج‌اللهی

آدم بی‌دست و پا  
دست و پای اراده را می‌بندد  
اراده‌ای دست و پا کن  
دست و پایت را پیدا کن

من در پی لبخند و سرور و شادی  
هموار نبوده‌ام راه این آبادی  
سخت است مسیر زندگی پس حتماً  
باید که اراده‌ام شود فولادی

تو کل باشگاه بدن‌سازی اراده است.





## نوآوری و خلاقیت

راز خلاقیت و نوآوری دانی که چیست؟ بدعتی نیکو بیاور بدعت بد خوب نیست

می زند در جا و گشته آس و پاس  
تنبل از هر کار نو دارد هراس

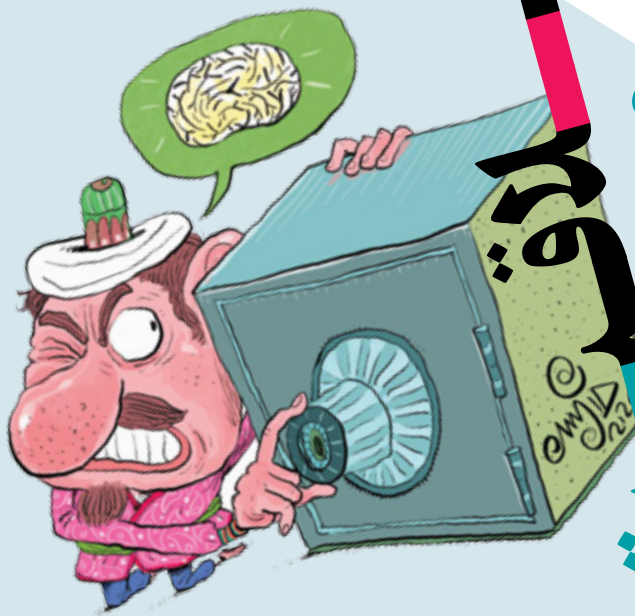
به چیزایی مثل دوست  
فقط قدیمیش خوبه  
نو که اومد به بازار  
کهنه نشه دل آزار

این است خلاصه تمام  
حرف همه بزرگ مردان  
خلاقیت و تلاش با هم  
نوآوری آورد دمامم

گریه می کند  
جامه عمل  
به تن آرزوهای تنبل

آنتن خلاقیت از دسترس خارج شده  
مغز خود را از درون گاوصندوق در بیار

اگر باشیم پشت هم وطن را زود می سازیم  
«فلک را سقف بگشاییم و طرحی نو در اندازیم»



# نوآوری و خلاقیت

# از تدریس حضرت (ح)

به این نتیجه رسیده‌اند که انسان صفر کیلومتر مثل لوح سفیدی است که هنگام تولد هیچ تصویری از نیرنگی خلاقانه «فردا» و آینده ندارد، بلکه فرشته‌وار در زمان «حال» شیر می‌خورد و در زمان حال... بگذریم. این وضع کم‌وبیش در وجود انسان دوام می‌یابد تا وقتی که به هفت سالگی می‌رسد. اینجاست که یک داستان دنباله‌دار شکل می‌گیرد! یعنی همان روز اول که پا به مدرسه می‌گذارد، بعد از چند ساعت تماشای در و دیوار و یک آدم بزرگ به اسم معلم، کم‌کم بذر آینده‌نگری در وجود کودک شکوفا می‌شود و برای اولین بار از خود می‌پرسد: «پس این کلاس کی تمام می‌شود؟!» اما این تازه اولین جرقه است. با این سؤال ممنوعه، کودک از بهشت «امروز» به دنیای «فردا» هبوط می‌کند. به این ترتیب، آینده‌پژوهی در وجود طفل معصوم کم‌کم ریشه می‌دواند و سؤال‌های آینده‌نگرانه‌ای از این دست، مثل خوره در مغز کوچک او تکثیر می‌شوند و او را به موجودی غرق در سؤال‌های بی‌پایان تبدیل می‌کنند:

- امروز کی تمام می‌شود؟
- تعطیلات تابستان کی شروع می‌شود؟
- کی دیپلم می‌گیرم؟

«آینده» و «فردا» از زیر کانه‌ترین و پرکاربردترین کلماتی هستند که نوع بشر تاکنون ابداع کرده است! چیزی که به عقل جن هم نمی‌رسد! اصلاً تا حالا فکر کرده‌اید این «فردا» که کل دنیا را سرکار گذاشته و صغیر و کبیر چشم‌به‌راهش هستند، واقعاً چیست؟ خوب که دقت کنیم و نکانی به چشم بصیرت خودمان بدهیم، خواهیم دید، چیزی است در حد سراب، که هرگز قرار نیست به آن برسیم. چون وقتی می‌رسیم، دیگر از «فردا» خبری نیست، بلکه تبدیل به «امروز» شده است. به عبارت دیگر، ماجرای انسان و فرداهای خیالی‌اش، مثل حکایت کسی است که دائم به دنبال سایه خودش می‌دود و می‌خواهد آن را به چنگ بیاورد! صدر حمت به دیوانه و مجنون! به علاوه، همین سرابی که اسمش را فردا گذاشته‌ایم، کلی شغل و حرفه هم ایجاد کرده است! این همه فال‌بین و آینده‌پژوه و کسانی که مثل تولیدکنندگان سیرترشی، هی ایده‌های عجیب و غریب، با طعم کمبوزه و خیار روانه بازار می‌کنند، در واقع نان همین «فردا» را می‌خورند و اگر بویی از معرفت برده باشند، باید هر صبح ناشتا برای آرامش روح مخترع آن خیرات کنند! بسیاری از روانشناسان بسج که عمر خود را به پای «فردا» ریخته‌اند، در پژوهش‌های خود

«  
سلامی به طراوت اردیبهشت. عکاسی از  
طبیعت زیبای بهاری، از هنرهای ماندگار این فصل  
است. ما در این شماره به ابزارهای رشته عکاسی  
خواهیم پرداخت.



بفرمایید ببینید



لیسلاجیلی

«  
- کی در آزمون سراسری قبول می شوم؟  
- این دانشگاه کی تمام می شود؟  
- کی ازدواج می کنم تا وام بگیرم، یا برعکس!؟  
یک دفعه به خود می آید و می بیند به سرای باقی و  
بدون «فردا» شتافته و میراث خواران، همین طور  
که در به در دنبال وصیت نامه می گردند، به خوردن  
حلوا مشغول اند!

بنابر این، یکی از مهارت‌های اساسی که هر فرد قبل از  
بسته شدن پیرانتر زندگی اش باید به آن دست پیدا کند،  
رها شدن از توهم آینده و حال کردن با «حال» است.  
به قول قدیمی ها، چرا باید به سری که درد نمی کند،  
دستمال ببندیم؟ اگر هم تردیدی در این باره دارید و  
نمی توانید از آینده دل بکنید، کمی به خودتان زحمت  
بدهید و عبارت «حال» را در اینترنت جست و جو کنید  
تا بدانید که بی دلیل و سند حرف نمی زنیم.



# میدرون بازار کار

## مینامهرنوش داورمسابقه میدون

مینامهرنوش، کارآفرین است. او دانش آموخته رشته کارشناسی ارشد توسعه اقتصادی و برنامه ریزی و دکتری اقتصاد باگرایش بین المللی است. بانوی چهل و اندی ساله قصه ما، با وجود جوانی، سابقه فعالیت در عرصه های تحقیقاتی، مدیریتی و کارآفرینی در تهران و مراکز استان ها را در کارنامه دارد.

خانم مینامهرنوش از سن ۱۸ سالگی شرکت ساختمانی تأسیس می کند و مدیرعاملش می شود. از ۱۹ سالگی به طور مستقیم وارد فعالیت های اقتصادی می شود. او به واسطه تحصیلات دانشگاهی وارد عرصه تولید محتوا و قلم زنی برای نشریات پژوهشی بازرگانی و اقتصاد می شود و در شرکت های مشاور تبلیغاتی و مارکتینگ مشغول به کار می شود.

آینده بازار کار  
کامل متناسب  
با دانش افراد  
رقم می خورد.  
یعنی ما باید به  
یادگیری و کسب  
دانش بپردازیم

## « با توجه به فناوری‌هایی که به سرعت بر همه امور تأثیر می‌گذارند، آینده بازار کار را چطور پیش‌بینی می‌کنید؟ بچه‌ها برای این آینده چطور باید آماده شوند؟ »

آینده بازار کار کاملاً متناسب با دانش افراد رقم می‌خورد. یعنی ما باید به یادگیری و کسب دانش بپردازیم. رقابت سخت است. افراد باید میان رشته‌ای فکر کنند. توانمندی‌های قبل نمی‌توانند اثر گذار باشند. شاید خودم در حدود ۱۰ سال پیش فکر می‌کردم مهم‌ترین مهارت برای کسب و کار، علاوه بر مهارت‌های کار کردن با رایانه و فناوری اطلاعات، مهارت صحبت کردن به زبان‌های انگلیسی، زبان عربی و زبان ترکی باشد، اما الان ببینید، شما باهوش مصنوعی می‌توانید به راحتی به تمام زبان‌ها صحبت کنید. یعنی الان دیگر محدودیت صحبت کردن به زبان برداشته شده است. با یک دکمه، به هر زبانی که بخواهید، فوری ترجمه می‌کنید. شما با گوشی می‌توانید به راحتی ترجمه کنید. می‌توانید به راحتی مشورت بگیرید. در محیط‌های متعدد و وبگاه‌ها اطلاعات جمع می‌کنید. حال در اینجاست مزیت رقابتی که می‌تواند به شما کمک کند کسب و کارتان را توسعه بدهید و مزیت داشته باشید، دانش است. من به بچه‌ها توصیه می‌کنم، اگر می‌خواهند پیشرفت داشته باشند، تحصیلات علمی داشته باشند. البته در دنیای نوین آن قدر ابزار وجود دارد که فقط نمی‌توان به مدرسه، هنرستان و دانشگاه محدود شد. محیط باید یادگیرنده باشد و ما باید به دانشمان اضافه کنیم.

## « در پایان، اگر برای هنرجویان دختر و پسر هنرستان‌ها توصیه‌ای دارید، بفرمایید. »

مهم‌ترین توصیه من به بچه‌ها این است که اول از همه درک درستی از خود داشته باشند. با خودشان آشنا شوند. قابلیت‌های خود و اهداف خود را بشناسند. خوش به حال آن‌هایی که زودتر می‌فهمند از زندگی چه می‌خواهند. بزرگ‌ترین فیلسوف‌ها، دانشمندان، صاحبان کسب و کار، و صاحبان ثروت در دنیا، هر چه سنشان بیشتر می‌شود، بیشتر به این سمت می‌روند که چه کسی بودند، اصلاً مأموریت اصلی‌شان چه بود و در این کره خاکی، خداوند برای چه آن‌ها را خلق کرده است. این چالشی است که بسیاری از انسان‌ها وقتی درگیر مادیات می‌شوند، یادشان می‌رود. سال‌ها در کوچه‌پس‌کوچه‌های زندگی گیر می‌کنند و وقتی بر می‌گردند، تازه از خودشان می‌پرسند چرا این کارها را کردند! اصلاً هدف از خلقت چه بوده است؟ بنابراین، هر فرد در اولین کار باید از خودش شناخت درستی به دست بیاورد. خوشبختانه الان ما ابزارهای خیلی خوبی داریم. بچه‌ها می‌توانند با استفاده از دانشی که در حوزه خودشناسی وجود دارد، از خودشان اطلاعات بیشتری به دست بیاورند که دنبال چه هستند؟ هدفشان چیست؟ بخوانند ارزش‌آفرینی چه هست و هدف آن‌ها چیست؟ می‌توانند ابزارهای رسیدن به هدف‌ها و ارزش‌ها را جست‌وجو کنند.

ابزار دانشگاه، ایجاد کسب و کار، یادگیری، و یادگیری در فضای مجازی را می‌توانند دانه به دانه بنویسند و بعد از اینکه از این مرحله گذر کردند، باید به شدت و با پشتکار، با توکل به خدا و ایمان صدر در صد به اینکه خداوند رزق دهنده و برکت‌دهنده است، کار را پیگیری کنند و اصلاً ناامید نباشند. بلکه مطمئن باشند اگر به سرعت مسیر را پی بگیرند و در مسیر قرار بگیرند، حتماً همیشه از خودشان راضی خواهند بود و همیشه احساس خوشایند و حال خوب خواهد داشت.

برای همه دانش‌آموزان، هنرستانی‌ها و همه فرزندان سرزمین ایران آرزوی موفقیت و سربلندی دارم. امیدوارم همگی بتوانند بهترین خودشان را ارائه بدهند. امید که بتوانیم پرچم ایران را با کمک این نسل بزرگ، زرتنگ، توانمند، شجاع و باهوش در دنیا به اهتزاز در آوریم.



## « شما راه‌اندازی یک کسب و کار را، آن هم دقیقاً بعد از مدرسه، تجربه کرده‌اید. از این تجربه برای ما بگویید؟ »

از کودکی به حوزه تجارت و پول درآوردن علاقه داشتم و می‌خواستم کار کنم و درآمد کسب کنم. پدرم وقتی علاقه مرا به این کار دید، کمک کرد به نحوی روی پای خودم بایستم. بسته‌بندی انواع محصولات و این‌گونه مشاغل را با بچه‌های محل انجام می‌دادم. زمانی که ۱۸ سال بیشتر نداشتم، توانستم یک شرکت ساختمانی را بنیان‌گذاری کنم و آن قدر خوب پیشرفت کردم که در ۱۹ سالگی دسته‌چک گرفتم و خیلی زود به موفقیت اقتصادی رسیدم.

## « در مسیر این کارها چقدر به عنصر خلاقیت پناه بردید و مشکلاتتان را با عامل خلاقیت حل کردید؟ از تجربه‌هایتان برای ما می‌گویید؟ »

من فکر می‌کنم خلاقیت واقعاً یعنی خداوند به بعضی لطف می‌کند و او به عنوان فرد خلاق آفریده می‌شود. البته که صفت هم وجود دارد. آدم‌ها می‌توانند قابلیت‌های خودشان را در حوزه خلاقیت شکوفا کنند. ولی احساس می‌کنم خداوند به من این لطف را داشته و این نفس را داده است. به جرئت می‌توانم بگویم، شاید بالای ۵۰ درصد یا ۶۰ درصد موفقیت‌هایم را مدیون خلاقیت در کار هستم.

پدر من ارتشی بود و موافق کار کردن من نبود. من هیچ سرمایه‌ای نداشتم و هیچ‌کس هم در دوران عمرم هیچ سرمایه‌ای برای کار کردن من نداد. همیشه مجبور بودم روی پای خودم بایستم و با دست خالی شروع کنم. و از آنجا که سرمایه‌ای وجود نداشت، باید می‌رفتم سراغ اینکه از خودم شروع کنم. هر چه فشار بیشتری می‌شد، خلاقیت بیشتری به خرج می‌دادم تا بتوانم به کسب و کارم رونق بدهم.

## « به نظر شما، بچه‌های هنرستانی برای ورود به دنیای کسب و کار باید چه مهارت‌هایی یاد بگیرند؟ »

سواد اقتصاد دیجیتال، سواد هوش مصنوعی و سواد حوزه سرمایه‌گذاری را باید بالا ببرند. یکی از ارکان بسیار مهم، سواد مدیریت سرمایه‌های انسانی است. برای بچه‌هایی که به حوزه فنی علاقه دارند، سواد بازاریابی فروش هم هست.

# اردی «بم» شاعر



زندگی رسم خوشایندی است  
زندگی بال و پری دارد با وسعت مرگ  
پرشی دارد اندازه عشق  
زندگی چیزی نیست که لب طاقچه عادت  
از یاد من و تو برود  
زندگی حس غربی است که یک مرغ مهاجر  
دارد  
زندگی سوت قطاری است که در خواب پلی  
می پیچد

زندگی مجذور آینه است  
زندگی گل به توان ابدیت  
زندگی ضرب زمین در ضربان دل ماست  
زندگی هندسه ساده و یکسان نفس هاست

🎨 **سهراب سپهری**



انبوهی از این بعدازظهرهای جمعه را  
به یاد دارم که در غروب آنها  
در خیابان  
از تنهایی گریستیم  
ما نه آواره بودیم، نه غریب  
اما این بعدازظهرهای جمعه  
پایان و تمامی نداشت  
می گفتند از کودکی به ما  
که زمان باز نمی گردد  
اما نمی دانم چرا  
این بعدازظهرهای جمعه بازمی گشتند

🎨 **احمد رضا احمدی**



« باید اعتراف کرد که اردیبهشت بهشت مشاهیر ادبی است. وقتی که ابتدای آن با بزرگداشت شیخ اجل سعدی بزرگ، این قله ادبیات فارسی شروع می شود، دیگر باید تا انتها حدس زد اردیبهشت چه ماه شاعر پرور و پری است از بزرگداشت های ادبی! اردیبهشت میعادگاه شاعران لطیف نازک خاطری است که گویا طبع لطیف و زبان زنده شان وام دار زنده شدن حیات در اردیبهشت هستند. روزهای اردیبهشت زادروز شاعرانی است مثل: **سهراب سپهری، قیصر امین پور، مهر داد اوستا و احمد رضا احمدی.**

از این میلادها که بگذریم، روزهای اردیبهشت قدم به قدم پر است از بزرگداشت مشاهیر ادبی کشورمان. گویا اصلاً این ماه آدم لابه لای تاریخ ادبیات، شعر و ورق به سر می برد!

دوروز پس از بزرگداشت سعدی، شاهد بزرگداشت **شیخ بهایی**، این دانشمند بزرگ، هستیم که در شعرهایش، مضمون های عرفانی، گونه ای بی بدیل است. داستان بزرگداشت ها به اینجا ختم نمی شود. در بیست و پنجمین روز اردیبهشت شاهد بزرگداشت **حکیم فردوسی** هستیم و سه روز بعد هم بزرگداشت **عمر خیام** را داریم. برای ما که دوستدار شعر و ادب فارسی هستیم، هر کدام از این وقایع اقتضا می کند شعری از ایشان بخوانیم تا با فضای شاعرانگی این مشاهیر ادبی آشنا شویم. گلچین چند شعر از این مفاخر ادبی را با هم می خوانیم:

# ت ر ان

محمد حسین مددی



حیفمان آمد از سعدی بزرگ کلامی نگوییم. به اختصار حکایتی از گلستان آورديم تا با هم پای کلام این شاعر بزرگ بنشینیم.

دزدی به خانه پارسایی در آمد. چندان که جست، چیزی نیافت. دل تنگ شد. پارسا خبر شد. گلیمی که بر آن خفته بود در راه دزد انداخت تا محروم نشود.  
شنیدم که مردان راه خدای  
دل دشمنان را نکردند تنگ  
تو را کی میسر شود این مقام  
که با دوستانت خلاف است و جنگ  
مودت اهل صفا، چه در روی و چه در قفا، نه چنان کز پست  
عیب گیرند و پیشت بیش میرند.  
در برابر چو گوسپند سلیم  
در قفا همچو گرگ مردم خوار  
هر که عیب دگران پیش تو آورد و شمرد  
بی گمان عیب تو پیش دگران خواهد برد  
آری که مردان خدا دزد را هم دست خالی از درشان  
بر نمی گردانند.



اما اردیبهشت  
چه اسفندها... آه!  
چه اسفندها دود کردیم!  
برای توای روز اردیبهشتی  
که گفتند این روزها می رسی  
از همین راه!  
قیصر امین پور



امروز تو را دسترس فردا نیست  
و اندیشه فردات به جز سودا نیست  
ضایع مکن این دم از دلت شیدا نیست  
کاین باقی عمر را بهای پیدا نیست  
خیام



یک دمک، با خود آ، ببین چه کسی  
از که دوری و با که هم نفسی  
ناز بر بلبلان بستان کن!  
تو گلی گل، نه خاری و نه خسی  
تا کی ای عنده لب عالم قدس!  
مایل دام و عاشق قفسی؟  
تو همایی، همای، چند کنی  
گاه جغدی و گاه خر مگسی؟  
ای صبا! در دیار مهجوران  
گر سر کوچه بلا برسی  
با بهایی بگو که با سگ نفس  
تا به کی بهر هیچ در مرسی  
شیخ بهایی

نویسنده: محمد حیدری

معرفی چهار حرفه سودآور

# میزبانی با تخمه آفتابگردان

خدمات  
خشک‌شویی

صنعت  
تولید پالایه هوا

تمیزی همیشه سرلوحه زندگی ما ایرانی‌ها بوده و هست. این اهمیت به تمیزی و پاکیزه بودن هر ساله نزدیک به عید نوروز دوچندان نیز می‌شود. با پیشرفت علم و تغییر جنس لباس‌ها، شست‌وشوی البسه نیز به موضوعی علمی و دقیق مبدل شده است. حرفه خشک‌شویی امروزه به همین علت رونق بسیار زیادی گرفته است.

این شغل، مانند شغل‌های دیگر، به محل شروع کسب و کار وابستگی دارد، ولی به‌طور کلی به وسایلی مانند لباس‌شویی صنعتی، اتوپرس صنعتی، خشک‌کن صنعتی، آبگیر صنعتی، دیگ بخار و مانکن اتونیز نیاز دارید. هزینه اولیه راه‌اندازی یک واحد خشک‌شویی ساده چیزی در حدود یک میلیارد تومان است. این شغل درآمدی در حدود ۵۰ میلیون تومان در ماه دارد و از طرف دیگر بی‌خطر و زودبازده است.

افزایش تولید خودرو و استفاده از آن، نیاز بازار به استفاده از لوازم مصرفی خودرو را نیز افزایش می‌دهد. یکی از پر مصرف‌ترین قطعات مصرفی در خودروها، پالایه هواست. در محیط‌های شهری و آلوده، این قطعه نقشی اساسی و مهم دارد. شما با خرید یک دستگاه ساده می‌توانید پالایه هوا را، حتی در منزل، به راحتی تولید کنید. پالایه‌های هوا انواع و اقسام متفاوتی دارند و نوع رایج آنها از کاغذ صافی مخصوص، به صورت چین خورده، در ابعاد و شکل‌های گوناگون ساخته می‌شود. با حدود حداقل ۲۰۰ میلیون تومان می‌توانید یک دستگاه خانگی تولید پالایه هوا تهیه کنید و سپس با بسته‌بندی مناسب، پالایه‌ها را روانه بازار کنید. هزینه مواد اولیه نیز بستگی به برآورد خودتان و میزان تولید، متغیر خواهد بود، ولی با اندک سرمایه ۲۰ تا ۳۰ میلیون برای تهیه مواد اولیه، می‌توانید کار را شروع کنید. این حرفه به دلیل تولید یک محصول پر کاربرد، درآمد مناسبی دارد و می‌توانید ماهیانه حداقل ۱۵ میلیون کسب درآمد کنید.



بفرمایید ببینید





هنر میناکاری جزو هنرهای اصیل ایرانی محسوب می‌شود. ظرف‌های مینا با رنگ‌های آبی و گل‌های سفید خود قدمت و زیبایی هنرهای ایرانیان را به رخ می‌کشند. میناکاری بهتر است روی طلا و نقره اجرا شود، ولی به دلیل هزینه بالا، می‌توان آن را روی مس نیز پیاده کرد. روی ظرف مسی لعابی زده می‌شود، سپس ظرف لعاب‌دار و در چندین مرحله طراحی می‌شود. طرح که تمام شد، در دو مرحله پخته می‌شود تا رنگ روی آن ثابت بماند. این شغل جزو مشاغلی است که هنر و چیرگی شخص در آن اهمیت دارد و حتماً به استادکاری برای نظارت و اجرای طرح‌های نقاشی شده نیاز دارد. برای راه‌اندازی کارگاه میناکاری، ابتدا باید چندسال مهارت لازم را کسب کنید. سپس با صرف سرمایه حدود ۱۰۰ میلیون تومان برای خرید وسایلی ساده شامل ابزار طراحی مانند انواع قلم‌مو و کاسه رنگ، کوره پخت مینا، کار را شروع کنید. ظرف‌های مینا را می‌توانید به صورت عمده و خرده‌فروشی در بازار عرضه کنید. البته متناسب با هنر دست تولیدکننده، قیمت و ارزش آن نیز تغییر می‌کند.

### کشاورزی پرورش آفتابگردان

حتماً تا به حال بارها تخمه خورده‌اید. به فرض اگر تخمه، آن هم آفتابگردان، نخورده باشید، روغن آن را استفاده کرده‌اید! حالا چطور است اگر خودتان تولیدکننده و پرورش دهنده آفتابگردان شوید؟! آفتابگردان در اغلب مناطق به خوبی رشد می‌کند. در دو نوع روغنی و آجیلی کشت می‌شود. نوع روغنی آن در مقابل مرض‌ها و آفت‌ها مقاوم است و سوددهی بالاتری دارد.

دانه‌های این گیاه از نظر تولید روغن، بعد از سویا، در مقام دوم قرار دارند و بیش از ۱۴ درصد کل روغن نباتی جهان را تأمین می‌کنند. برای راه‌اندازی این کسب و کار پردرآمد، به جز هزینه زمین، برای هر هکتار حدود ۱۰۰ میلیون تومان سرمایه اولیه نیاز است. بعد از ۱۲۰ روز می‌توان حدود ۱٫۵ تن از هر هکتار تخمه برداشت. قیمت زمین در مناطق گوناگون فرق می‌کند، ولی از حدود سه میلیون تومان به بالاست. متوسط قیمت زمین با آب، سالانه هفت میلیون تومان است. از طرف دیگر، شما باید دانه‌ها را در عمق ۱٫۵ تا ۳ سانتی‌متری زمین بکارید و تا جوانه‌زدن، آن‌ها را کاملاً آبیاری کنید. اگر می‌خواهید دانه‌ها را ردیفی بکارید، حدود ۲۰ تا ۲۶ سانتی‌متر فاصله نیز در نظر بگیرید. این فاصله بین ردیف‌ها ۶۰ سانتی‌متر باشد. بهترین تراکم بین ۸۰ تا ۹۰ هزار بوته در هکتار است.



# معجزه، کارتیمی واستادِ کار!

رقیه ارسلانی

جلسه درباره موضوع «هدف‌های شرکت در روزهای باقی‌مانده سال» ادامه پیدا کرد؛ حرف‌هایی جدی و انگیزه‌ای که قبل از این در هیچ کدام از اعضا به این اندازه نبود؛ بیست دقیقه بحث چالشی و صریح. هیچ‌کس منکر این نبود که این تیم ظرف بیست دقیقه به اندازه تمام جلسات یک‌ماهه جلورفته است. در نیم‌ساعت بعدی آن‌ها درباره چندوچون جذب مشتریان جدید بحث و تکلیف هر شخص را در انجام اهداف گفته‌شده مشخص کردند؛ بازاریابی و کاهش هزینه‌های اضافی و افزایش فروش. در پانزده دقیقه آخر جلسه زهرا طالبی باید موضوعات بحث را جمع‌بندی می‌کرد: «هفته آینده جلسه ستاد تشکیل می‌شود تا درباره این موضوع و سایر مسائل مهم بیشتر بحث کنیم.»

حاضران از مزده ختم جلسه احساس راحتی می‌کردند که زهرا آخرین سؤال را مطرح کرد: «پیش از ترک جلسه، آیا حرفی، نظری، پیشنهادی دارید یا نه؟»



هیچ کس نمی خواست موضوعی را مطرح کند که بازگشت را به تأخیر بیندازد. اما احسان مصمم بود نظری را با آن‌ها در میان بگذارد. باید بگویم، به نظر من در این دوره به مراتب بیش از آنچه توقع داشتیم جلو رفتیم. رضا و محسن با حرکت سر حرف او را تأیید کردند و مهران در میان بهت و حیرت همگان چشم‌غره نرفت. زهرانی دانست اظهار نظر احسان به خاطر هواداری از او است، یا واقعاً از آنچه گذشته راضی است؟ چیزی نگفت، اما در دل از تمجید ضمنی او خوش حال بود.

بعد رضا گفت: «من هم این موضوع را تأیید می‌کنم. کارهای بزرگی کردیم. روشن کردن هدف اصلی واقعاً کار بزرگی بود. اما نمی‌دانم آیا لازم است باز هم به این جلسات بیرون از شرکت بیایم یا نه؟ خیلی کارها هست که ظرف چند ماه آینده باید انجام شود تا معامله‌ها جوش بخورند. شاید بهتر باشد ببینیم کارها چطور پیش می‌روند...»

او واقعاً حرفش را تمام نکرد و آن را نیمه‌کاره رها کرد. محسن و مهران محافظه‌کارانه سرشان را به نشانه تأیید حرف‌های او تکان دادند. همه احساس خوشایندی که از انجام این کارها در زهرای پیدا شده بود، یک‌باره ناپدید شد. با وجود اینکه به شدت علاقه داشت با سرعت و شدت پیش‌نهاد محسن را رد کند، اما صبر کرد شاید کسی به جای او این وظیفه را به عهده بگیرد. احسان رشته سخن را به دست گرفت و نشان داد که فکر و هدف خانم طالبی

را از جان و دل درک کرده است: «باید بگویم، به هم‌زدن جلسه بعدی که قرار است دو هفته دیگر تشکیل شود، فکر خوبی نیست. به نظر من ما می‌توانیم به سادگی برگردیم و دوباره به همان گردابی بیفتیم که دو سال گذشته در آن دست‌وپا می‌زدیم.

برای من بسیار توان‌فرسا بود که در این دوروز اینجا بنشینم و شاهد باشم در کار خود برای موفق کردن این تیم چقدر اشتباه می‌کرده‌ام. هنوز هم راه درازی در پیش داریم. زهرای از فرصت استفاده کرد و گفت: «از شما ممنونم که می‌خواهید تمام فکر و ذکر خودتان را صرف عقد قراردادهای جدید کنید.»

کمی دورویی می‌کرد، اما نمی‌خواست همین حالا از آن‌ها انتقاد کند: «با این حال، می‌خواهم بار دیگر آنچه را در شروع جلسه صبح دیروز گفتیم، یادآوری کنم. پول ما بیشتر است. فناوری ما بهتر است و مدیران ما از مدیران رقیبان ما کاردان‌تر و تجربه‌ترند، اما هنوز هم ما از آن‌ها عقب‌تریم. کمبود کار تیمی است. به شما قول می‌دهم، به‌عنوان مدیر عامل این شرکت، هیچ کاری برای من مهم‌تر از این نیست که «شما» را، منظورم «ما» را، به گروهی کارآمد و شربخش تبدیل کند.

حالا به نظر می‌آمد مهران و محسن از عقیده خود برگشته‌اند. اما زهرای ادامه داد: «و آنچه حالا می‌خواهم بگویم، از هر چه از دیروز تاکنون گفته‌ام، مهم‌تر است.» کمی صبر کرد تا حرفش در شنوندگان اثر بگذارد. بعد ادامه داد: «تصمیم دارم در دو هفته آینده زیر بار رفتارهایی که حاکی از بی‌اعتمادی هستند یا بوی خودخواهی و منیت می‌دهند، نروم. من شما را به بحث و چالش روی نظراتتان و به پذیرش تعهدهایی که دارید تشویق می‌کنم و از همه شما می‌خواهم یکدیگر را جوابگو و مسئول بدانید. اگر رفتار نامطلوبی را ببینم، تذکر خواهم داد و از شما هم همین توقع را دارم. ما نباید فرصت‌ها را از دست بدهیم!»

اتاق ساکت بود.

بسیار خوب، دو هفته دیگر دوباره دور هم جمع می‌شویم. در جاده با احتیاط برانید. به امید دیدار فردا در دفتر شرکت. همان‌طور که افراد وسایل خود را جمع می‌کردند و به طرف در می‌رفتند، زهرای خواست از کاری که انجام شده بود احساس خشنودی کند. اما می‌دانست باید خود را برای حوادثی ناگوار آماده کند. اوضاع تا بدتر نشود، بهتر نمی‌شود. حتی به نظر می‌آمد بیشتر اعضای تیم از چشم‌انداز



دشواری‌ها و سختی‌های پیش رو چیزی حس کرده‌اند. اما هیچ‌یک از آن‌ها نمی‌دانست جلسه بعد جای یکی از آن‌ها خالی خواهد بود. مسلماً حیرت آن‌ها وقتی بیشتر می‌شد که بدانند آن یک نفر مهران نیست!

پس از برگشت به شرکت، زهرای هم از روال سریع پیشرفت‌های آن دوروز حیرت کرد. چند کورسوی امیدی که ظاهر شده بود، مثل جلسه مشترک مهران و رضا با کارمندانشان برای جلب رضایت مشتریان، زرمه‌هایی را بین کارکنان به راه انداخته بود، اما زهرای در ذهن خود می‌دانست که اعضای تیم در برابر یکدیگر حالت دفاعی خود را حفظ کرده‌اند.

بعضی وقت‌ها زهرای از مشاهده رفتار افراد حس می‌کرد اعضای تیم آموخته‌های آن دوروز رودبار را به دست فراموشی سپرده‌اند. مثلاً تعامل بسیار ناچیز بود و کمابیش نشانه‌ای از شوق به همکاری با یکدیگر دیده نمی‌شد. انگار شرمنده بودند از اینکه خود را در برابر دیگران فاش کرده بودند. وانمود می‌کردند هرگز چنان چیزی اتفاق نیفتاده است!

اما زهرای طالبی کار کشته بود و بارها این صحنه‌ها را دیده بود. گرچه از اینکه تیم نتوانسته بود آن چنان که باید و شاید آموزه‌های رودبار را نهادینه کند، تا حدی ناامید و سرخورده بود، اما می‌دانست که معمولاً واکنش اولیه چنین است.

به راستی شرکت با تمرین‌های کار تیمی که در رودبار آموخته بودند، حس و حال بهتری پیدا کرده بود. جلسات و نظرات گرم‌تر و مفیدتر بودند. حتی با همین نتایج نصفه و نیمه هم عملکرد افراد در مسئولیت‌هایشان بهتر شده بود و شرکت در بحث مالی و جذب مشتری هم روبه پیشرفت بود. به هر حال، این معجزه کار تیمی است و زهرای طالبی هم در این کار استاد بود.

این داستان تلخیصی از کتاب پنجم دشمن کار تیمی - پاتریک لنتیونی می‌باشد و همه شخصیت‌ها و بعضی از فضا و موقعیت‌ها تغییر پیدا کرده‌اند.  
 (تشریح، چاپ دوازدهم، تابستان ۱۳۹۹، مترجم، فضل‌الله امینی)

# تاریخچه بسته‌بندی

محمد امین قربانی



تاریخچه بسته‌بندی محصولات تحولات زیادی را گذرانده تا به بسته‌بندی نوین امروز رسیده است. در قرن‌های اول یا دوم، چینی‌ها از پوسته درخت توت برای بسته‌بندی غذا و همچنین از برگ درختان و انواع سبزی برای نگهداری محصولات استفاده می‌کردند.



در مصر باستان شیشه گران بود و به‌عنوان سنگی گران‌بها، معمولاً برای خانواده سلطنتی در نظر گرفته می‌شد. با این حال، این حساسیت نسبت به شیشه، در نهایت مصری‌ها را به کشف فناوری دمیدن شیشه سوق داد که می‌توانست شیشه را به‌عنوان ظرف ذخیره آب و غذا قالب‌ریزی کند. با این حال، این شیشه باستانی شفاف نبود، بلکه بسیار تار و کدر بود. در حال حاضر شیشه شفاف یکی از بسته‌بندی‌های محبوب مایعات است.



در قرن‌های وسطا محبوبیت استفاده از بشکه‌های چوبی و جعبه‌های چوبی به‌عنوان وسایل ذخیره‌سازی و حمل و نقل افزایش یافت. بشکه‌ها معمولاً برای سفر در اقیانوس‌ها، برای ذخیره مواد مانند عرق نیسکر، غذای خشک و آب شیرین استفاده می‌شدند.



صنعت بسته‌بندی از حدود سال‌های ۱۷۶۰-۱۸۴۰ وارد کشور شد. با افزایش تقاضا برای بسته‌بندی با کیفیت بهتر، جای خود را به پیشرفت‌های عمده فناوری داد. این تقاضا برای کیفیت در پی افزایش ناگهانی محصولات جدیدی که برای قشر خاص و سرمایه‌دار در دسترس بودند، بیشتر هم شد.

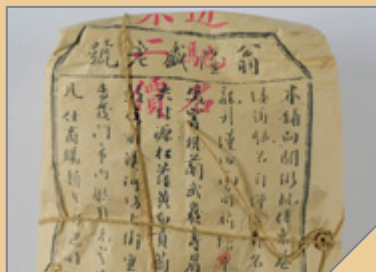
در سال ۱۷۹۵، ناپلئون به هر کسی که می‌توانست روش‌های بهتری برای نگهداری غذا اختراع کند، جایزه‌ای ۱۲۰۰۰ فرانکی در نظر گرفت. این فشار برای نوآوری، به دلیل نیاز ناپلئون به یافتن راه تغذیه ارتشش بود، زیرا او در بحبوحه جنگ بود.

**نیکلاس آپرت**، که پدر صنعت پاستگی (کنسرو کردن) نیز شناخته می‌شود، برای نگهداری طولانی مدت مواد غذایی، با جوشاندن و سپس ریختن مواد غذایی در ظرف‌های دربسته شیشه‌ای بدون هوا، روشی را ابداع کرد. امروزه هم از این روش برای پاسته (کنسرو) کردن غذاها استفاده می‌کنیم.

در حدود دویست سال پیش یعنی ۱۱۷۸ (۱۸۱۰)، پیتر دوراند انگلیسی، استفاده از قوطی‌های آهنی با روکش قلع را به جای بطری برای نگهداری مواد غذایی به ثبت رساند. طی ۲۰ سال، قلع به یکی از محبوب‌ترین مواد بسته‌بندی موادی مانند کلوچه و تنباکو در تاریخ بسته‌بندی تبدیل شد.



قرن‌ها بعد، زمانی که چینی‌ها فن‌های کاغذسازی خود را کامل کردند، کاغذ نیز برای بسته‌بندی موادی مانند دارو و چای به کار رفت.



در حال حاضر، از بسته‌بندی‌های نوین و تخصصی برای محصولات شیمیایی، دارویی، غذایی و برقی استفاده می‌شود. تاریخچه بسته‌بندی از ابتدای تاریخ تاکنون پیشرفت‌های زیادی کرده است. امروزه بسته‌بندی محصولات از اصلی‌ترین موارد در فروش محصولات به حساب می‌آید و یکی از بهترین نوع تبلیغات است. شرکت‌های بزرگ و معروف دنیا برای محصولات خود بسته‌بندی منحصر به فردی با نام‌نام (برند) خود تهیه می‌کنند و در دنیا محصولات آن شرکت‌ها را به بسته‌بندی خاص آن‌ها می‌شناسند.



صنعت بسته‌بندی در سلامت و نگهداری محصولات و فروش آن‌ها تأثیر مهمی دارد، لذا به صنعتی مهم، تأثیرگذار و تخصصی تبدیل شده است. طراحی بسته‌بندی محصولات با جنس‌های متفاوتی اعم از مقوایی، کاغذی، شیشه‌ای، فلزی و چوبی، با طرح‌ها، اندازه‌ها و رنگ‌بندی‌ها متنوع، این صنعت را به صنعتی حرفه‌ای تبدیل کرده است که می‌توان با سرمایه‌گذاری مناسب در این زمینه، در تجارت جهانی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد.



برای تهیه این بسته‌بندی‌ها ابتدا طراحی زیبا متناسب با محصول نیاز است. ساخت این بسته‌بندی‌ها به تجهیزات پیشرفته نیاز ندارد. در مواردی مثل ساخت بسته‌بندی جعبه‌های کادویی، تجهیزات ابتدایی در منزل نیز کافی هستند.



در تبلیغات محصولات، گاه کیفیت بسته‌بندی را مهم‌تر از خود محصول می‌دانند. لذا هر تولیدکننده‌ای باید برای فروش محصولات خود به فکر بسته‌بندی مناسب هم باشد. لذا آینده این صنعت بسیار درخشان است، زیرا به گستره محصولات موجود در بازار، باید بسته‌بندی خاص آن محصول نیز تولید شود.



دو ناوگان از فاصله خیلی نزدیک با توپ هایشان به یکدیگر شلیک می کردند. فضا پر از دود باروت و فریاد ملوان های زخمی بود.



تکه های بزرگ چوب از بدنه کشتی های پرتغالی به اطراف پرتاب می شد. آتش سوزی و انفجارهای پی در پی رخ داد و ناگهان...

نویسنده و تصویرگر: فرزاد آزادگان



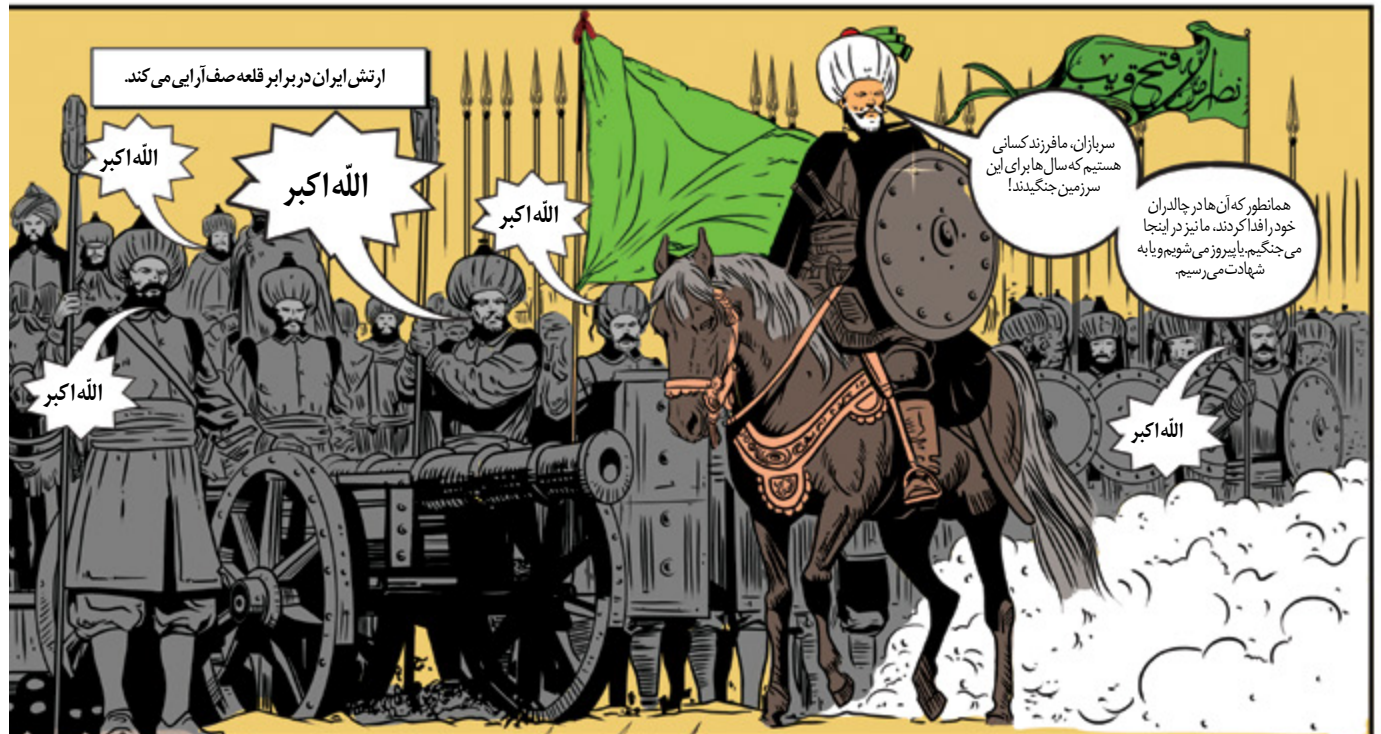
تعداد زیادی ملوان و سرباز پرتغالی کشته یا غرق شدند.

کشتی های جنگی نیروی دریایی پرتغال با آتش ناوگان انگلیسی و قایق های توپ دار ایرانی غرق و به اعماق آب های خلیج فارس رفتند.



نگهبانان یکی از برج های قلعه ناگهان متوجه چیزی شدند.

فرمانده را خیر کنید ایرانیها!



ارتش ایران در برابر قلعه صف آرایی می کند.

سربازان، ما فرزند کسانی هستیم که سال ها برای این سرزمین جنگیدند!

همانطور که آن ها در چالدران خود را قدا کردند، ما نیز در اینجا می جنگیم، یا پیروز می شویم و یا به شهادت می رسیم.

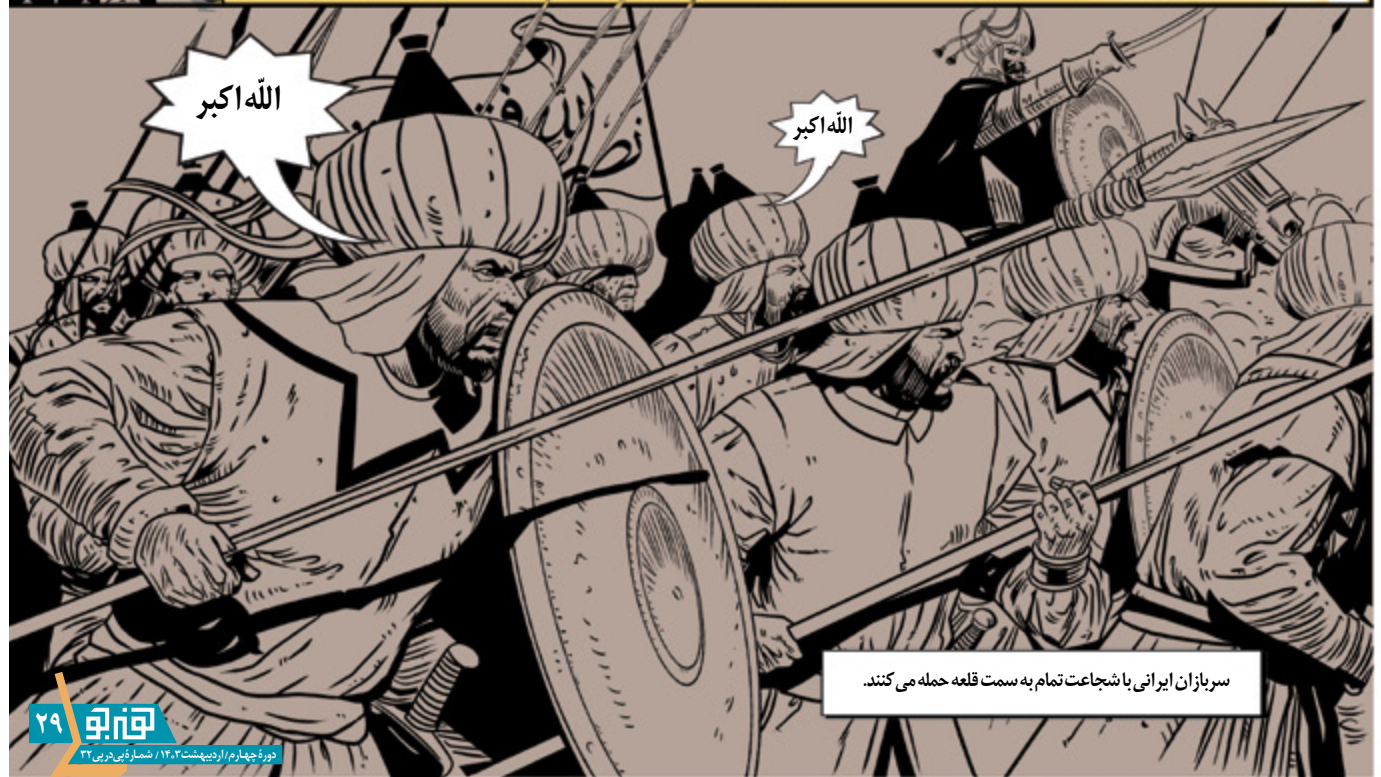
الله اکبر

الله اکبر

الله اکبر

الله اکبر

الله اکبر



الله اکبر

الله اکبر

سربازان ایرانی با شجاعت تمام به سمت قلعه حمله می کنند.



لحظه به لحظه عرصه بر پرتغالی‌ها تنگ‌تر می‌شد.

آن‌ها داخل قلعه گیر افتاده بودند.



باید آن‌ها را داخل قلعه محاصره کنیم. حصار خارجی قلعه دست سربازان ماست؟

بله سرورم. دو سرباز پرتغالی به ما پناه آورده‌اند. می‌گویند اوضاع در قلعه خوب نیست.

به من بگو



با وجود تخریب در دیواره شرقی قلعه، پرتغالی‌ها به سختی مقاومت می‌کردند.

نذارین به دیوار نزدیک بشن.

باروت می‌خوام...



نبرد در قلعه به اوج خود رسیده بود، پرتغالی‌ها در قلعه، در دام محاصره، خسته و در مانده و بدون آذوقه و مهمات، گرفتار شده بودند.



خدایا به دادمان برس!

بعد از چندین تلاش ناموفق، ایرانیان توانستند برج شرقی قلعه را تصرف کنند و از آن طریق وارد قلعه شوند.



بعد از دو ماه محاصره ...

چاره دیگری نداشتند.  
به زودی باید تسلیم شوند.  
آماده مذاکره باشید.

پرتغالی‌ها با وساطت  
انگلیسی‌ها خواهان صلح  
هستند.

پرتغالی‌های گرسنه، تشنه و بیمار، گروه گروه تسلیم ایرانی‌ها شدند.

بیرق ایران  
را به اهتزاز در آورید!

به مناسبت اخراج پرتغالی‌ها از جزیره هرمز،  
دهم اردیبهشت روز ملی خلیج فارس نام‌گذاری  
شده است. داستان تصویری (نبرد هرمز) با  
بزرگداشت نام جاودان خلیج فارس به همه حافظان  
وطن تقدیم می‌شود.

پس از دو روز مذاکره، قرارداد صلح امضا شد.  
پس از تسخیر هرمز، پرچم دولت پرتغال که بیش از یک قرن بر فراز آلبوکرک در اهتزاز بود،  
برای همیشه به پایین کشیده شد.



# پدرهای دانش

سعید نیبری

استاد کمال الملک یا ترجمه آثار اندیشمندان در زمینه‌های علوم اجتماعی و حقوق مدنی، به شکل گیری بنیان‌های فکری مشروطه و تدوین قانون اساسی بعد از آن کمک بزرگی کرد

**استاد کمال الملک**  
**اولین مدرسه هنر در**  
**ایران را به نام «هنرستان**  
**صنایع مستظرفه» تأسیس**  
**کرد. بخش زیادی از**  
**هزینه تأسیس آن را از**  
**اموال شخصی خودش**  
**متقبل شد**

- این چه حکمتی است که اهل هنر دارند در نبوسیدن دست اهالی قدرت؟

- عالم آن‌ها جداست. اهل هنر از نظر خلقی درویش‌اند.

این جمله‌ها بخشی از دیالوگ رضاشاه با استاد کمال الملک است؛ کمال الملک استاد بی‌بدیل نقاشی ایران که بیش از دو بیست تابلوی نفیس و تاریخی از او به یادگار مانده است؛ فردی خودساخته که حرفه هنر را از شاگردی در دارالفنون آغاز کرد و در نهایت، استاد و بنیان‌گذار مهم‌ترین مدرسه هنر در ایران شد.

اما تاریخ گواه است که استاد ما مناعت طبع به خرج داده و اخلاق نیکوی خود را به همه اهل هنر نسبت داده است، و گرنه کم نبوده و نیستند از اهل علم و اهل هنر که به دبنداری یا کمتر شرافت و وطن خود را به اجنبی فروخته‌اند، و بسیاری دیگر که علم و هنرشان را صرف ارتقای مقام و قدرت خود کرده و حتی این مسیر به بهای جانانشان تمام شده است؛ هر چند بعضی هم موفق شده‌اند تا قله پیش بروند. و البته که عاقبت قدرت‌طلبی آن‌ها به هیچ وجه برای جهان و کشورشان خوشایند نبوده است! مانند آن نقاش معروف اتریشی (هیتلر) با سیل‌های نیم‌بندش که هنر را رها کرد و به قدرت چسبید و بنیان نژادپرستی را گذاشت و حتی توانست به ریاست حزب نازی آلمان برسد و در نهایت دنیایی را به آتش بکشد! یا آن یکی نقاش اسپانیایی (فرانکو) که توانست دیکتاتور مطلقه فاشیست‌های اسپانیایی بشود. در زمان قدرتش میلیون‌ها نفر را به قتل برساند و همچنان سر شب به خلق آثار هنری بپردازد!

اما استاد هنرمند قصه ما با همه آن‌ها فرق داشت. استاد محمد غفاری معروف به کمال الملک، با اینکه جزو بلندمرتبه‌ترین رجال ایرانی عصر قاجار بود و به راحتی به دربار و دیوان رفت‌وآمد داشت، اما هرگز شرافت و آزادگی خود را فدای کسب ثروت و تصاحب قدرت نکرد. در عصر مشروطه که بیشتر دولت‌مردان موقعیت خود را در خطر می‌دیدند و مخالف مشروطه بودند، استاد ما از دربار قاجار فاصله گرفت و مشروطه خواه شد و در همین دوره پراشوب، با ترجمه آثار اندیشمندان در زمینه‌های علوم اجتماعی و حقوق مدنی، کمک مهمی به شکل‌گیری بنیان‌های فکری مشروطه و تدوین قانون اساسی بعد از آن کرد.

کمال الملک حتی پس از پیروزی نهضت مشروطه نیز دعوت گروه‌های مسلح فاتح تهران را رد کرد و به سمت کسب قدرت و بهره‌مندی از غنیمت‌های مشروطه نرفت و ترجیح داد همچنان به تدریس و ترجمه و هنر مشغول باشد. او در سال ۱۲۸۹ پیشنهاد تأسیس اولین مدرسه هنر در ایران را به نام «هنرستان صنایع مستظرفه» مطرح کرد و پس از تصویب آن در مجلس مشروطه، بخش زیادی از هزینه تأسیس آن را از اموال شخصی خودش متقبل شد. به این ترتیب، مدرسه‌ای بنیان نهاده شد که به‌زودی به مهم‌ترین مرکز ترویج و حفظ هنرهای سنتی ایرانی، همچون خاتم‌کاری، مینیاتور، منبت و

غیره تبدیل شد. میراث عظیم هزاران ساله‌ای که

همگی ممکن بود در دوره‌های پرتلاطم تقلیدگری و

سنتی‌زدایی افراطی و شبه‌نوین‌گرایی (مدرنیزاسیون) پهلوی

اول نابود شوند، با درایت کمال الملک و مدرسه وی، تا به امروز

همگی حفظ شدند. اما داستان استاد ما به همین جا ختم نشد. وی در

دوره رضاخان به دفعات به دربار احضار می‌شد. شاه از او می‌خواست پرتره

فاتحانه‌ای از او بکشد. در عوض همه گونه پاداشی هم پیشنهاد می‌کرد!

ولی استاد ما در حالی که می‌توانست با کرنش و تسلیم در برابر او امر شاه

جدید به موقعیت و مقام‌های بالاتر و حتی وزارت فرهنگ نیز برسد، ترجیح

داد آزادگی خود را حفظ کند و تمامی پیشنهادهای و سوسه‌انگیز دربار

پهلوی را رد و از دست‌بوسی اجتناب کند. به قول خود استاد: «ندان

کیاب خوری ام را کشیده‌ام.»

و البته که این مقاومت و تمکین نکردن، خشم دیکتاتور را برانگیخت و

رضاشاه او را از مدیریت هنرستان عزل و به روستایی در نیشابور تبعید

کرد. و این گونه بود که استاد کمال الملک از آزمون مهم زندگی اش سر بلند

بیرون آمد و البته هزینه آن را نیز با زندگی پرمشقت در سال‌های پایانی

عمرش در روستایی دورافتاده پرداخت.

در دوران تبعید، با اینکه دچار حادثه و ضعف بینایی شد، تا آخر عمرش

همان‌جا ماند و حتی با تار یک‌شدن یک چشمش و محرومیتش از هنر،

حاضر به دست کشیدن از عقیده و شرافتش نشد و همواره پیشنهاد کرنش

در مقابل سلطنت و بازگشت و دست‌بوسی را رد کرد. این گونه، علاوه بر

استادی در هنر، استادی در اخلاق و آزادگی اش را نیز ثابت کرد و همراه

میراث هنری ماندگارش در تاریخ، نامی نیک نیز از خود به یادگار گذاشت؛

برخلاف بسیاری از هم‌عصرانش.



بخشی از تابلوی مرد مصری



زرگر بغدادی و شاگردش

دوف

# «دراز» کارنامه

علمی اشرف زاده

هر نوع واقعیت یا موفقیت کلیدی در خصوص سابقه علمی و شغلی، می تواند شما را از سایر متقاضیان متمایز کند

خیلی از افراد فرایند کارنامه (رزومه) نویسی را با حواس پرتی و بی دقتی انجام می دهند و بعضی از واقعیت های کلیدی و موفقیت های اصلی شان را در آن ذکر نمی کنند. به یاد داشته باشید، هر نوع واقعیت یا موفقیت کلیدی در خصوص سابقه علمی و شغلی، می تواند شما را از سایر متقاضیان شغل متمایز کند. پس مهم این است که زمان صرف کنیم و کارنامه خود را به طور جامع درست کنیم. در ادامه، بعضی از نکات مهم در خصوص این مورد بیان می شود:



## مهارت‌ها و ارزش‌های مدنظر کارفرما به سه دسته تقسیم می‌شوند: مهارت‌های پایه، مهارت‌های تفکر و ویژگی‌های کیفی شخصی

هنرجویان عزیز، در این مرحله که با نحوه نوشتن کارنامه آشنایی خوبی کسب کردید، یادآور می‌شوم، در ابتدای کارنامه، باید مشخصات اصلی خود مثل نام و نام خانوادگی، نشانی کامل منزل، شماره تلفن، وضعیت سربازی و وضعیت تأهل خود را ذکر کنید. در کارنامه نیازی نیست شماره تماسی از محل کار قبلی خود درج کنید. مشخصات اصلی برای ارجاع‌دهی اجباری هستند، ولی سایر موارد اختیاری‌اند و نگارش آن‌ها به داشتن کارنامه‌ی قدرتمند کمک می‌کند. در پایان متذکر می‌شوم، مهارت‌ها و ارزش‌های مدنظر کارفرما به‌طور کلی به سه دسته تقسیم می‌شود:

**الف) مهارت‌های پایه:** مهارت‌های خواندن، نوشتن، ریاضیات، خوب شنیدن، خوب صحبت کردن.

**ب) مهارت‌های تفکر:** تفکر خلاقانه، تصمیم‌گیری، حل مسئله، دانستن چگونگی فراگیری یک موضوع، استدلال و تعقل، تصویرسازی و قوه تخیل داشتن.

**ج) ویژگی‌های کیفی شخصی:** مسئولیت‌پذیری، داشتن عزت‌نفس و خودباوری، اجتماعی بودن، خودمدیریتی، پایبندی به اصولی اخلاقی مثل شرافت و صداقت.

| ملاحظات   | مورد                   |
|---|------------------------|
| الف) تجربه کاری یا موارد مشابه، جزو مهم‌ترین اطلاعات شما محسوب می‌شود. در نوشتن جزئیات تجربه کاری و موارد مشابه دیگر، بسیار دقیق باشید. ب) تمام اطلاعاتی را که می‌توانید پیدا کنید یا در ذهنتان به یاد بیاورید، وارد کنید. روی وظایف محوله اصلی و مسئولیت‌هایی که داشته‌اید تمرکز و همه را ذکر کنید. ج) سعی کنید در صورتی که مشاغل متعددی را تجربه کرده‌اید، در خصوص تازه‌ترین شغل‌تان بیشتر صحبت کنید و به مشاغل قدیمی‌تر کمتر بپردازید. د) اگر تجربه شغلی خاصی ندارید، می‌توانید تمام کارهایی را که در تابستان، یا به‌طور پاره‌وقت انجام داده‌اید، فهرست کنید. ه) کارفرمایان برای کارمندان یا نیرویی ارزش و اهمیت قائل می‌شوند که بدانند چطور کار کند. پس حتی اگر تجربه شغلی غیر مرتبط دارید، بهتر است آن را ذکر کنید. و) در کارنامه خود، تجربه کاری را برعکس ترتیب زمانی، یعنی از آخر به اول، فهرست کنید. به عبارت دیگر، تازه‌ترین شغل و تجربه کاری خود را اول ذکر کنید. | تجربه کاری             |
| الف) دومین موضوع مهم در کارنامه شخصی شما، تحصیل است. بسیاری از کارفرمایان، دو مقوله تجربه کاری و تحصیلات را به‌عنوان عوامل اصلی در تصمیم‌گیری برای استخدام در نظر می‌گیرند. حتماً در خصوص مدارک و دانش‌نامه‌ای که دریافت کرده‌اید، جزئیات و توضیحاتی ذکر کنید. ب) در خصوص زمینه‌های مطالعاتی، افتخارات تحصیلی و دستاوردها و موفقیت‌های خود توضیحاتی بدهید. ج) اگر در هر پروژه یا برنامه خاصی مشارکت کرده‌اید، آن را ذکر کنید.   | تحصیل                  |
| الف) هر جایزه، پاداش و تقدیرنامه‌ای را که در طول تجربه‌های شغلی و تحصیلات خود، به خاطر مشارکت یا دستاورد و موفقیت، به دست آورده‌اید، عنوان کنید. ب) عضویت خود در انجمن‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد، گروه‌ها و تشکل‌های مذهبی، اجتماعی و... را مطرح کنید. ج) موفقیت‌های ورزشی، علمی و فرهنگی یا هنری خود و همچنین مشارکت در برنامه‌های اجتماعی را ذکر کنید.   | افتخارات و جوایز       |
| الف) اگر هنوز هم در سازمان‌های اجتماعی، باشگاه‌ها، جامعه‌های محلی، مؤسسه‌ها و... فعالیت دارید، اینجا بهترین مکان برای نام بردن از آن‌هاست. ب) اگر فعالیت داوطلبانه‌ای انجام داده‌اید، در این قسمت ذکر کنید. ج) هرگونه نقش مهم در فعالیت‌های مذکور، مثل رهبری و مدیریت امور و همراهی در جامعه‌های محلی و تشکل‌های گوناگون را ذکر کنید.   | فعالیت‌ها              |
| الف) حتی اگر حرفه یا شغل شما به مجوز نیاز ندارد، اما باز هم بهتر و هوشمندانه‌تر این است که این نوع اطلاعات را وارد کنید. مثلاً در خصوص درگاه ملی مجوزها، انواع مجوزهای صادره، تنوع مجوزها، و اطلاعات کلی در خصوص آن و تجربه‌هایی که به دست آورده‌اید، توضیحاتی بدهید و ذکر کنید که با این موارد آشنایی نسبی دارید.  | مجوزها و گواهی‌نامه‌ها |
| الف) عضویت در انجمن‌های حرفه‌ای و تخصصی که به‌طور مستقیم با اهداف حرفه‌ای شما ارتباط دارد، مزیت بالایی محسوب می‌شود. آن‌ها را عنوان کنید. ب) هرگونه پروژه تخصصی یا رهبری در پروژه‌های گوناگون را به همراه نتایج حاصل ذکر کنید. ج) هرگونه پیشرفت و موفقیت پروژه‌های در زمان مدیریت یا مسئولیت خود، ولو اندک، را ذکر کنید.  | عضویت‌های تخصصی        |



## « شهادت شهید مطهری و روز معلم

۱۲  
اردیبهشت

شهید مطهری یکی از علمای برجسته و تأثیرگذار دینی و فلسفی در ایران شناخته می‌شود. ایشان در زمینه‌های فلسفه، عرفان، اخلاق و دین‌شناسی فعالیت داشت و آثار بسیاری در این زمینه‌ها به جامعه ایرانی عرضه کرد. اندیشه‌های او درباره مسائل دینی و اخلاقی، بر جامعه و فکر ایرانی تأثیر فراوانی گذاشت. شهید مطهری به همراه دکتر شریعتی در حسینیه ارشاد جلسه‌های ثابتی را برگزار می‌کردند که مخاطبان آن‌ها دانشجویان و قشر فرهیخته جامعه بودند و در طول این سخنرانی‌ها و در طول ده‌ها کتابی که نوشتند، در طول زندگی‌شان به تبلیغ اندیشه‌های اسلامی و ترویج معارف دینی و فلسفی پرداختند. در کتاب‌ها و آثار شهید مطهری، مفاهیم عمیق فلسفی و اخلاقی به زبان ساده و قابل فهم برای عموم مردم شرح داده شده‌اند. او با منطق و استدلال قوی، موضوعات پیچیده را برای همگان قابل درک کرده و اصول و ارزش‌های دینی و انقلاب اسلامی را تبیین کرده است. مجموعه آثار شهید مطهری جزو بهترین کتاب‌ها برای آشنایی با اصول اصلی اسلام ناب و فلسفه اسلامی و پاسخ به فرقه‌ها و مسائل نوظهور و مکتب‌های خداناباورانه برای جوانان است. به همین دلایل، ایشان را معلم انقلاب نیز می‌نامند. در نهایت، ایشان در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ توسط اعضای افراطی گروهک تروریستی فرقان، با شلیک کلت کمری شهید شدند. به همین دلیل این روز به نام روز معلم نام‌گذاری شده است.

## « روز بزرگداشت سعدی

۱  
اردیبهشت

سعدی شاعر بزرگ و معروف ایرانی بود که در دوره سلجوقیان و تیموریان زندگی کرد. او یکی از بزرگ‌ترین شاعران و ادیبان زبان فارسی شناخته می‌شود و آثارش در حوزه شعر، ادبیات و فلسفه بسیار معروف است. سعدی در طول عمر خود به سفرها و دیدارهای متعددی رفته که شرح بعضی از آن‌ها را در شعرهایش ذکر کرده است. سعدی با شعرهایش موضوعات اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و عاطفی را به زیبایی و عمیق بیان کرده است. او پیام‌های معنوی و فلسفی خود را با استفاده از مثل‌ها و حکایت‌ها به خوانندگان منتقل می‌کرد. این سبک نوشتاری و زبان زیبای سعدی باعث شد او بر ادبیات فارسی و جهانی تأثیر بسزایی داشته باشد. آثار سعدی مانند «گلستان» و «بوستان» اثرهای برجسته ادبیات فارسی شناخته می‌شوند. این دو اثر حاوی داستان‌ها، حکایت‌ها، مثل و نکته‌هایی اخلاقی و تربیتی هستند که هنوز هم برای مطالعه و الهام‌بخشی بسیار ارزشمندند. مقبره سعدی در شهر شیراز واقع است. همه عمر برنردارم سر از این خمار مستی|| که هنوز من نبودم که تو در دلم نشستی  
تو نه مثل آفتابی که حضور و غیبت افتد|| دگران روند و آیند و تو همچنان که هستی

## « شهادت امام صادق (ع)

۱۵  
اردیبهشت

امام جعفر صادق (ع) ششمین امام شیعیان و رئیس و تبیین‌کننده فقه شیعه هستند. ایشان به مدت ۳۴ سال امامت شیعیان را بر عهده داشت که با خلافت آخرین خلفای اموی و دو خلیفه نخست عباسی، سفاح و منصور دواینی هم‌زمان بود. امام صادق (ع) به خاطر ضعف نظارت حکومت اموی، نسبت به دیگر امامان شیعه فعالیت علمی بسیار بیشتری داشتند. شمار شاگردان و راویان او را ۴۰۰۰ نفر دانسته‌اند. بیشتر روایت‌های اهل بیت (ع) از امام صادق (ع) هستند و از این رو مذهب شیعه امامیه را مذهب جعفری نیز می‌خوانند. امام صادق (ع) در میان



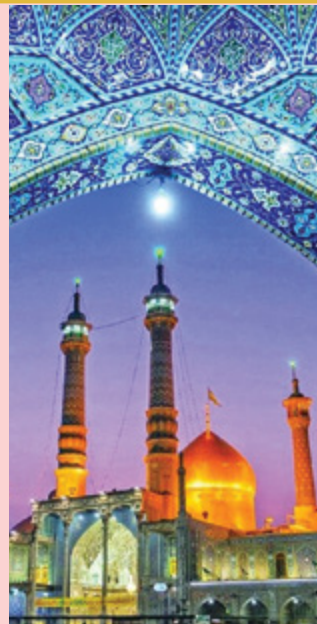


اردیبهشت ماه در دو دقیقه

## روز بزرگداشت فردوسی

۲۵  
اردیبهشت

ابوالقاسم فردوسی توسی، معروف به فردوسی، یکی از بزرگ‌ترین شاعران و نویسندگان ایرانی است که در قرن پنجم هجری میلادی می‌زیسته است. او به دلیل آثار ادبی بزرگ و به‌خصوص شاهنامه، به‌عنوان «حکیم ابوالقاسم فردوسی توسی» شناخته می‌شود. شاهنامه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع زبانی و فرهنگی فارسی شناخته می‌شود و متنی حاوی حدود ۶۰ هزار بیت شعر است که داستان‌ها و روایت‌های متعددی از تاریخ و اساطیر ایران را شامل می‌شود که به حفظ و تقویت زبان فارسی و هویت ملی ایرانیان کمک بسیاری کرده است. شاهنامه حاوی داستان‌ها و قصه‌هایی است که ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی ایرانی را ترویج می‌دهند و در شکل‌دهی به ارزش‌های فرهنگی جامعه نقش بسیار مهمی دارند. در شاهنامه، داستان‌های مردمان و شخصیت‌های تاریخی ایرانی با تمرکز بر شجاعت، ایمان و قدرت انسانی نقل می‌شود و این موضوع به تقویت روحیه ملی و افزایش اعتمادبه‌نفس مردم کمک می‌کند. شاهنامه به‌عنوان نماد هویت ملی و فرهنگ ایرانی در مقابل تهاجم‌ها و تحولات تاریخی، اهمیت زیادی دارد و یکی از نمادهای برجسته فرهنگی ایران شناخته می‌شود.



## روز بزرگداشت حکیم عمر خیام

۲۸  
اردیبهشت

حکیم عمر خیام، شاعر، ریاضی‌دان، فیلسوف و اخترشناس بزرگ ایرانی بود که در دوره سلجوقیان زندگی می‌کرد. او در قرن ۱۱ میلادی در نیشابور، ایران، متولد شد و زندگی خود را به ترویج دانش و هنر اختصاص داد. آثار علمی حکیم عمر خیام شامل اصول و قوانین ریاضی، فلسفه و اخترشناسی می‌شود. او کتاب‌های متعدد در زمینه‌های گوناگون تألیف کرد و به ترویج دانش و علم در جامعه کمک زیادی کرد. از مهم‌ترین فعالیت‌های او، تدوین دقیق تقویم شمسی و تنظیم آن بر پایه رویدادهای نجومی است که هنوز هم دقیق‌ترین تقویم جهان شناخته می‌شود. تدوین مثلث حل اتحادهای ریاضی با توان‌های متفاوت که امروزه به مثلث خیام-پاسکال نیز معروف است، از دیگر دستاوردهای علمی او محسوب می‌شود. علاوه بر این‌ها، خیام در ادبیات نیز دستی بر آتش داشته و مجموعه دیوبیتی‌های او از معروف‌ترین و ماندگارترین آثار ادبی است که پس از ترجمه به انگلیسی در اوایل قرن قبل، در اروپا نیز به شهرت و محبوبیت رسید. قبر وی در نیشابور قرار دارد.

## ولادت امام رضا (ع)

۳۱  
اردیبهشت

امام رضا (علیه‌السلام)، هشتمین امام شیعیان، در یازدهم ذی‌القعدة سال ۱۴۸ هجری قمری و در شهر مدینه به دنیا آمده‌اند. پدر ایشان امام موسی کاظم (ع) و مادرشان نجمه خاتون بود. امام رضا (ع) پس از وفات پدرش و به‌عنوان امام هشتم شیعیان، امامت را بر عهده گرفتند. دوران حیات ایشان در زمان خلافت هارون الرشید و در دوران کشاکش جنگ دو فرزند او بر سر جانشینی بود. مأمون، پسر کوچک‌تر هارون، برای جلب حمایت علویان و شیعیان، امام رضا علیه‌السلام را به‌عنوان ولیعهد خود انتخاب کرد و امام نیز برای اتمام حجت و نشان دادن بی‌صدافتی بنی‌عباس در توجیه پایه‌های خلافتشان، این پیشنهاد را با شرایطی پذیرفتند و به مرو مهاجرت کردند. بسیاری از برادران و خواهران ایشان نیز با تأخیر چندساله و پس از احساس خطر از جان ایشان، به سوی خراسان رفتند و به ایشان ملحق شدند. البته بسیاری از آنان در این راه به شهادت رسیدند. قبرهای مطهرشان در شهرهای گوناگون کشورمان قرار دارند.

امام رضا (علیه‌السلام) در طول حیاتشان با وجود درگیری در امور سیاسی، از مسائل علمی و فرهنگی غفلت نکردند و در مدینه و خراسان کرسی‌های درس و بحث و حوزه‌های فرهنگی و تربیتی تأسیس کردند. یکی از ماندگارترین کارهای ایشان، مناظره‌های علمی با بزرگان ادیان و فرقه‌هاست که بعضی از آن‌ها مکتوب شده و باقی هستند؛ مانند کتاب عیون اخبار الرضا. البته انتقادهای ایشان و مواجهه‌شان با ظلم و ستم حکومت‌ها و تقابلهای فاسق و فاسد آن زمان، در نهایت منجر به این شد که ایشان به دستور مأمون عباسی و با سم مسموم شوند و در ۳۰ صفر سال ۲۰۳ قمری در شهر توس به شهادت برسند.

## ولادت حضرت معصومه (س) و روز دختر

۲۰  
اردیبهشت

حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها)، دختر کوچک امام موسی کاظم (علیه‌السلام) و خواهر تکی امام رضا (علیه‌السلام)، در ۱ ذی‌القعدة سال ۱۷۳ ولادت یافته‌اند. از لقب‌های ایشان می‌توان به معصومه، کریمه اهل بیت، طاهره و حمیده اشاره کرد. ایشان در رأس کاروان بزرگی از اقوام و شیعیان امام رضا (ع) در مسیر پیوستن به برادرشان بودند که در نزدیک شهر قم در اثر مشکلات و بیماری ناشی از حمله سربازان حکومت به کاروان فوت کردند. روز ولادت ایشان در ایران روز دختر نام‌گذاری شده است. این روز به‌عنوان یکی از اعیاد و نشانه‌ای از عشق و احترام به پیوند خواهر و برادری و نمادی از فرهنگ ایرانی اسلامی نام‌گذاری شده است. چه‌الگویی بهتر از این بانوی کریم و صاحب‌مقام برای دختران ما، که در شأن مقامشان نقل است زیارت ایشان در قم اجر و منزلت زیارت قبر بی‌نشان حضرت زهرا (س) را دارد.

# گپ آخر

گاوه مال میر

صدای سوت دوباره در راهرو پیچید. با اینکه خانم بهرامی، مدیرمان، چند بار به او تذکر داده بود، ولی خانم افشار، معلم ورزشمان، عادت داشت قبل از ورودش به کلاس، از داخل راهرو با صدای سوت بچه‌ها را به آماده شدن دعوت می‌کند. صدای سوت را که شنیدیم، همه سر نیمکت‌هایمان نشستیم. بعضی‌ها گرمکن ورزشی‌شان را زودتر پوشیده بودند. بعضی هم به کل از خانه روپوش مدرسه را نپوشیده بودند و البته منفی‌شان را هم گرفته بودند!

وارد کلاس شد و بعد از سلام و بردن نام خدا، از میز جلو آرام و به ردیف راهی حیاطمان کرد. من هم بای میلی تمام همراه بقیه رفتیم. نه اینکه از ورزش بدم بیاید‌ها! نه! ولی زنگ بعد ریاضی داشتیم. خانم کنعانی ۲۰ تا مسئله ریاضی داده بود که ۳ نمره مستمر را تشکیل می‌داد و من هیچ کدام را حل نکرده بودم؛ حتی یک دانه! دفتر مهسا را با کلی چانه‌زنی از او گرفته بودم و حساب کرده بودم اگر نوشتن هر مسئله با خودکارهای آبی و قرمز و صورتی پنج دقیقه طول بکشد، احتمالاً تکلیف‌هایم تا آخر زنگ ورزش و زنگ تفریح تمام می‌شود!

همه رفتیم داخل حیاط؛ بعد از اینکه با سوت خانم ورزش دو ساعت دور زمین فوتبال قر خوردیم! نوبت به نرمش کردن رسید. بعد از آن هر کسی رفت دنبال یک ورزشی. یکی رفت دنبال فوتبال، یکی بسکتبال، یکی بدمینتون، یکی بازی فکری، یکی طناب‌بازی و... چون







سید بسکتبال نزدیک در ورودی  
راهروی مدرسه بود، رفتم قاطی  
بچه‌های بستکبال. تا حواس خانم افشار  
به یاری‌های بچه‌های فوتبال بود، سریع جیم شدم  
داخل کلاس. آرام در راپشت سرم بستم. از داخل کیفم  
دفترهای خودم و مهسا را برداشتم و رفتم ته کلاس گوشه  
سمت پنجره نشستم که حواسم به خانم افشار هم باشد.  
دفترها را باز کردم و شروع کردم به نوشتن. اصلاً وقت  
فکر کردن نداشتم. البته اگر فکر می‌کردم هم خیلی چیزی  
سرم نمی‌شد! عین به عین، هر چه را مهسا نوشته بود  
رونویسی می‌کردم. مسئله‌های پنجم و ششم بودم که  
یکه‌و در کلاس باز شد. خشکم زد. خانم علیپور و مهسا  
جلوی در بودند! خانم علیپور مشاور مدرسه بود؛ از آن  
سختگیرهای قانونی که حسابی رس آدم را می‌کشید.  
اما مهسا! تو چرا به من خیانت کردی؟ اف بر تو! آخر به  
تو هم می‌گویند رفیق؟! به خودم که آمدم، دیدم خانم  
افشار دقیقاً بالای سرم ایستاده است و دارد چپ‌چپ به  
من و دفترها نگاه می‌کند.

چشمم روشن! خانم‌انما دارند قلب می‌کنن!؟  
نه خانم، به به به خدا ما فقط داشتیم تمرین می‌کردیم  
ریاضی مون خوب بشه.

یکم دقیق شد در دفتر و سؤال جواب‌ها، و ادامه داد:  
«از کی تا حالا رونویسی باعث تقویت ریاضی می‌شه؟»

خانم، خب ما همیشه این جور ی یاد می‌گیریم!  
مهسا که دید من تن به اعتراف نمی‌دهم، آمد وسط  
و گفت: «نخیر خانم. خودش به من گفت هیچی بلد  
نیستم. هیچی ننوشتم. فقط می‌خوام رونویسی کنم که  
زنگ بعد خانم صادقی نمره‌ام رو بده.»

با حرص تمام گفتم: «مهسا!»  
گفت: «مهسا و کوفت! به نفع خودت بود بگم. تو داری  
خودت رو نابود می‌کنی. ببین به چه وضعی افتادی!  
سمیه‌ای که به زمان جزو شاگردای ممتاز کلاس بود،  
حالا باید چهار تا مسئله ریاضی رو رونویسی کنه؟! تا کی  
می‌خوای به این وضعیت ادامه بدی؟ تا کجا می‌خوای  
به فهقرا بری؟»

من که همه شرایط را علیه خودم دیدم، دیگر نتوانستم  
انکار کنم. زدم به کولی‌بازی و با گریه گفتم: «خانم  
ببخشید. من دیشب تا چهار صبح بیدار بودم، نتوانستم  
تکلیف‌هام رو انجام بدم. الان مغزم نمی‌کشید. دیگه  
مجبور شدم رونویسی کنم.»

خانم علیپور که مرا با آن گریه دید، دلش به رحم آمد.  
یکه‌و مهربان شد و نشست روی نیمکت کنار من و پرسید:  
«خب، چرا دیشب بیدار بودی عزیزم؟»

خانم داشتیم با گوشی تکه‌فیلم (کلیپ) آموزشی می‌دیدم  
که درسای عقب‌افتاده‌ام رو جبران کنم!

چه درسی؟

همین ریاضی

آگه ریاضی می‌خوندی، چطور هیچی بلد نیستی؟

آخه...

حرفم را قطع کرد و به مهسا گفت: «مهسا جان می‌شه  
بری تو حیاط؟ خیلی ممنون که منو مطلع کردی. تو  
دوست خوبی برای سمیه هستی.»

مهسا رفت و من ماندم و خانم علیپور.

خب عزیزم. دختر قشنگم، با من صادق باش. من فقط  
می‌خوام بدونم چیکار می‌کردی؟ می‌خوام کمکت کنم.

هر حرفی هم که الان بزنیم، مطمئن باش فقط و فقط  
بین خودمون می‌مونه.

نمی‌دانم در آن لحظه چرا مهربونی‌اش به دلم نشست  
و احساس کردم خواهر بزرگ‌تری دارم که می‌خواهم  
سفره دلم را برایش پهن کنم. گفتم: «خانم، دیشب  
داشتم گپ می‌زدم (چت می‌کردم).»

گپ؟ با کی؟

راستش دوازده یکی از بچه‌ها من رو تو دوسه تا  
گروه عضو کرده. همه رقم آدمی هم توشون هست.  
خیلی گروه‌های باحالی هستن. منم اونجا با چند نفر  
دیگه به دسته شدیم. شبا تا صبح گپ می‌زنیم و از هر  
دری حرف می‌زنیم.

تو این گروه چجور آدمی هستن؟

خانم گفتم که، همه جور هستن. همه مدل، همه  
سنخ و اینا دیگه!

عجب! پس همه جور هستن! می‌دونی تو این همه  
جور آدم، ممکنه بعضی هاشون مریض باشن؟ ممکنه  
بعضی هاشون بهت نزدیک شن، باهات دوست شن  
و بعد ضربه‌هایی بهت بزبن که هیچ وقت جبران نشه!  
مثل گرگ‌هایی تو لباس بره. حالا بهم بگو معمولاً چه  
وقتی گپ می‌زنی؟

وقت خاصی که نداره. تقریباً هر وقت که فرصتش  
پیش بیاد.

صبح وقتی از خواب بیدار می‌شی، اولین کاری که  
می‌کنی چیه؟

خب، می‌رم سراغ گوشی دیگه!

یعنی معمولاً از چه ساعتی مشغولش می‌شی؟

بستگی داره. روزایی که مدرسه داریم، ساعت ۷ که  
بیدار می‌شم، دو لقمه می‌خورم، به چند دقیقه‌ای گروه‌ها  
را بررسی می‌کنم و جواب پیام‌ها رو می‌دم، تا پیام مدرسه.  
ولی روزایی که مدرسه نداریم، چون شبش تا صبح مشغول  
بودم، معمولاً از ظهر گوشی رو دستم می‌گیرم. البته اگر  
بینش هم بیدار بشم، چک می‌کنم و به جوابی می‌دم!

مدرسه هم گوشی می‌آری؟

نه خانم، مدرسه که گوشی ممنوعه!

به کتاب «مدیریت تولید» مخفی شده زیر دو دفتر در  
کشوی نیمکت‌م اشاره‌ای می‌کند و می‌گوید:

واقعا؟! پس لای این کتاب چیه؟

عه خانم، آخه شما از کجا دیدین؟ تورو خدا به خانم  
بهرامی چیزی نگیذ، دیگه نمی‌آرم.

عزیزم، من مشاورم. از اول قول دادم محرم حرف‌های  
بچه‌ها باشم و چیزی رو که می‌دونم جایی نگم. گفتم  
که با من راحت باش.

خب، ببخشید، آخه ترسیدم.

اشکال نداره. حالا بگو سر کلاس هم حواست به گوشیه؟

آره خانم. تقریباً هیچی از تدریس معلما متوجه نمی‌شم.  
حتی وقتی هم که گپ نمی‌زنم، باز حواسم به گوشیه.

کلاً چیزی از درس نمی‌فهمم!

خب عزیزم، تو با من صادق بودی. حالا منم باید باهات  
رو راست باشم. حالا یه سؤال: می‌دونی چرا به کسی که  
مواد مخدر مصرف می‌کنه، می‌گن معتاد؟

چون اعتیاد داره و همیشه بوی بد می‌ده و سر و  
وضعش خرابه!

نخیر! چون که به اون ماده مخدر وابستگی شدید پیدا  
کرده، طوری که بدون اون دووم نمی‌باره. حالا بگو اگر  
یه هفته هیچ موادی بهش نرسه، چی می‌شه؟

می‌میره؟

نه، اما تمام بدنش درد می‌گیره و احساس می‌کنه دنیا  
به آخر رسیده. ممکنه کارهایی ازش سر بزنه که تعجب  
کنی. حالا تو به من بگو، حاضری همین الان گوشیتو  
به من بدی که فردا همین موقع بهت پس بدم؟

وا، نه خانم! نمی‌تونم. تورو خدا این کار رو نکنید. من  
یه دقیقه هم بدون گوشی دووم نمی‌بارم!

پس اعتیاد تو خیلی سخت و وحشتناکه، قبول داری؟  
حس اینکه من معتادم، اشک رادر چشمانم جمع کرد.  
سرم را انداختم پایین و با بغضی که گلویم را گرفته بود،  
به سختی گفتم: «چی بگم؟ آره، بهش اعتیاد دارم.  
ولی خانم، من دیگه گیر کردم. نمی‌تونم از آن در بیایم.  
نمی‌تونم برگردم.»

حرفی زد که تا مغز استخونم تکان خورد:

تو وقتی نمی‌تونی برگردی که مرده باشی! حالا  
خودت انتخاب کن. می‌خوای از این سن تا همیشه  
یه آدم مرده‌بی‌اراده و اختیار باشی، یا به آدم زنده که  
خودش اهداف زندگیش رو انتخاب و خودش زمانش  
رو مدیریت می‌کنه؟ کدوم رو می‌خوای؟ اگر دومی رو  
انتخاب می‌کنی، مطمئن تو می‌تونی. فقط باید خودت  
رو پیدا کنی و اراده‌ات رو قوی کنی. منم تو این  
مسیر کنارت هستم.

# «س» ر ب «س» «س» خ ت مصاحبه

علی اشرفزاده

البته تعجب نکنید. قرار نیست در مورد این روزها صحبت کنیم. قرار است در مورد روزی به وسعت و اهمیت و خاطره‌انگیز بودن این روزها صحبت کنیم که هم اکنون در ایستگاه آخر بازار کار، اهمیت مضاعفی پیدا کرده است. در این روز، شاید مثل روز خواستگاری باید لباس‌های تمیز و شیک، آرایش مطبوع و مناسب و وضعیت ظاهری خوبی داشته باشید. باید مثل روز دفاع از پایان‌نامه، با اطلاعات کامل و پاسخ‌های از قبل آماده‌شده حضور پیدا کنید. باید مثل روزهای سربازی، سختی‌های آن را به جان بخرید تا موفقیتی مهم در دستان شما باشد. و شاید مثل روزهای شروع مدرسه، فشار روانی و هیجان را همراه هم داشته باشید! بله، درست حدس زدید. در آخرین ایستگاه از بازار کار، باید به روز جلسه مصاحبه شغلی خود فکر کنیم. الان که دارم برایتان می‌نویسم، یاد دوستی افتادم که در خاطره روز مصاحبه‌اش، که در دوران کرونا

شاید کمتر کسی را پیدا کنید که روزهای سرنوشت‌ساز زندگی‌اش را فراموش کند؛ روزهایی برای زندگی، کار و تحصیل. اولین روز مدرسه، همیشه از خاطرات خاص دوران کودکی است. روزهای سرنوشت‌ساز و پرافتخار مدرسه، به خاطرات شیرین کودکی اضافه می‌شوند. بعد از مدتی، دانشگاه و تحصیلات عالی و روزهای فراموش‌نشده‌ی دوران آموزش دانشگاهی به سراغ ما می‌آیند. روز فارغ‌التحصیلی یا حتی روز دفاع از پایان‌نامه در دوره‌های ارشد و دکترا، از روزهای خاطره‌انگیز هر جوانی به حساب می‌آیند. ما پسرها از دوران سخت ولی شیرین سربازی که محال است خاطراتی نداشته باشیم؛ دوری‌ها و سختی‌هایی که الان برایمان به موفقیتی مهم تبدیل شده‌اند. روزهای خواستگاری و ازدواج و آغاز زندگی دل‌چسب و خاطره‌انگیز دوفره، از دیگر روزهای مهم و سرنوشت‌ساز ما هستند.

## هر کارفرمایی در واقع راهبردی استفاده می کند، تقریباً نیمی از هر جلسه مصاحبه شغلی، به سؤال هایی درباره خود شما و تحصیلات، تجربه کاری، سابقه، گرایش ها و اهداف حرفه ای اختصاص پیدا خواهد کرد

بود، به گفته خودش، به طرز یابور نکردنی، همه چیزش با هم دست شد. کتوشلوار و ماسک آبی اش! فکرش را بکنید، چه ترکیب زیبایی! وقتی این خاطره را برای من تعریف می کرد، می خندید و می گفت، یکی از مصاحبه کنندگان نیز همین تقارن و همزمانی مبارک را به او یادآوری کرده و خوشش آمده بود.

هنر جوان عزیز، امروز می خواهیم قدری در مورد جلسه مصاحبه شغلی، از پشت در اتاق، با هم صحبت کنیم.

## «آمادگی برای مصاحبه»

چون هر کارفرمایی، در واقع راهبردی استفاده می کند، تقریباً غیر ممکن است به طور دقیق بدانیم در جلسه مصاحبه چه سؤال ها و چه راهبردی اتخاذ خواهد کرد. اما با وجود این، تقریباً نیمی از هر جلسه مصاحبه شغلی، به سؤال هایی درباره خود شما و تحصیلات، تجربه کاری، سابقه، گرایش ها و اهداف حرفه ای اختصاص پیدا خواهد کرد. برای اینکه در مصاحبه شغلی آمادگی لازم را کسب نکرده اید، هیچ بهانه ای پذیرفتنی نیست. چون شما همین الان پاسخ حداقل نیمی از سؤال ها را می دانید.

همان طور که سؤال به سؤال، فهرست را نگاه می کنید، بهتر است خودتان را برای پاسخ ها هم آماده کنید. بهتر است سؤال ها را به همراه پاسخ های کوتاه و موجز، و البته با صداقت، یادداشت کنید. چند بار پاسخ های نوشته شده را مرور کنید تا مطمئن شوید روی حقیقت و نکاتی کلیدی که می خواهید توجه مصاحبه کننده را جلب کند، تمرکز کرده اید. در این حین، سعی کنید تجربه ها و مثال های سابقه کاری و کارنامه شخصی خود را به شغلی که الان می خواهید جذب شوید، ارتباط دهید. به عبارت ساده تر، تمام پاسخ های شما باید روی این اهداف تمرکز داشته باشند:

- 🔹 در جهت پاسخ دادن به سؤال کارفرما باشند.
- 🔹 در جهت نشان دادن مهارت های مثبت، دانش و توانمندی های مهم و اثربخشی که قرار است در شغل جدید از خود نشان دهید، باشند.
- 🔹 در جهت ارتباط دهی تجربه های شما با شغل مورد نظر باشند.

چون مرحله مصاحبه از اهمیت خاصی برخوردار است، لذا گاهی اوقات ممکن است کارفرمایان از شما بخواهند در بیش از یک مصاحبه شرکت کنید. حتی ممکن است موقعیتی پیش آید که شما با بیش از یک نفر مصاحبه کنید. دلیل دیگری که نشان می دهد مصاحبه خیلی مهم است، فرصتی است که از طریق مصاحبه می توانید کارفرمای مناسب خود را پیدا کنید. بنابراین، بهتر است خود را آماده کنید و سؤال هایی را هم بپرسید که آیا موقعیتی که به دنبالش هستید، مناسب شما هست یا خیر؟

اکنون می خواهیم با هم در خصوص بازبینی (چک لیست) قبل از مصاحبه، قدری صحبت کنیم:

## الف) وقت شناس باشید

خیلی از متقاضیان شغلی برای دفعه اول که به مصاحبه می روند، تأخیر دارند. حتماً در خصوص زمان مصاحبه اطلاع کافی کسب کنید و چند دقیقه زودتر آنجا حاضر شوید.

## ب) روی کارنامه خود مسلط باشید

باید تمام اطلاعاتی را که در کارنامه و سوابق خود آورده اید، بلد باشید. حتی آمادگی داشته باشید در مورد هر چیزی که در کارنامه نوشته اید، صحبت کنید.

## ج) شرکت یا مؤسسه را بشناسید

خیلی از کارفرمایان اذعان می کنند متقاضیان شغلی، در مصاحبه، راجع به شرکت یا مؤسسه ای که قرار است در آن استخدام شوند، اطلاعاتی ندارند. حتماً قبل از مصاحبه، اطلاعاتی کلی و جزئی در خصوص شرکت و مؤسسه، حیطة فعالیت و موقعیت آن به دست آورید. برای کسب این اطلاعات، می توانید از اینترنت یا کارمندان فعلی یا قدیمی آنجا اطلاعات کسب کنید. به یاد داشته باشید، زمانی که شما از شرکت و حیطة فعالیت آن درک درستی داشته باشید، می توانید بهتر به کارفرما توضیح دهید که برای شرکت چه فایده ای خواهید داشت.

## د) سؤال ها را پیش بینی کنید

پاسخ به سؤال های مصاحبه را به شکل مثبت و منطقی تمرین کنید. مثلاً برخی از سؤال های مهم مصاحبه به این شرح است:

- 🔹 مهارت و تجربه شما چطور می تواند به شرکت منفعتم برساند؟
- 🔹 موقعیت شغلی فعلی شما چطور می تواند با اهداف حرفه ای بلندمدت شما تناسب داشته باشد؟
- 🔹 چرا می خواهید در اینجا کار کنید؟
- 🔹 مسئولیت ها و سمت های اصلی تان در آخرین موقعیت شغلی چه بود؟
- 🔹 در آخرین شغلی که داشتید، چه چیزهایی را بیشتر دوست داشتید و چه چیزهایی را کمتر دوست داشتید؟
- 🔹 موقعیتی را توصیف کنید که در آن می خواهید تعارض منافع و اولویت های متضاد را حل کنید؟ چه می کنید؟
- 🔹 علاوه بر سؤال های گفته شده، باید خود را برای سؤال های سخت تر نیز آماده کنید. مثلاً ممکن است کارفرما از شما بپرسد چرا شغل قبلی خود را از دست دادید؟

همچنین، ممکن است کارفرما در مورد نقاط ضعف شما سؤال کند؟ در اینجا صادق باشید و توضیح دهید قصد دارید بر نقاط ضعف خود غلبه کنید. مثلاً اگر شغل شما نیازمند مهارت رایانه است و الان شما بلد نیستید، در آن صورت باید دوره هایی برای تسلط در مهارت کار با رایانه بگذرانید.

## ه) یک مصاحبه عملیاتی (شبیه سازی شده) انجام دهید

از دوست یا اعضای خانواده بخواهید در نقش مصاحبه کننده ظاهر شود و سؤال های واقعی از شما بپرسد.

## و) برای خودتان سؤال هایی آماده کنید

فهرستی از سؤال‌های خودتان را به همراه چند نسخه از کارنامک خود به جلسه مصاحبه بیاورید. به جای اینکه سؤال‌هایی در مورد پرداختی یا مزیت‌های شغلی پرسید، سعی کنید با پرسش سؤال‌های متنوع، اطلاعاتی در خصوص مواردی به دست آورید که در انتخاب شغل به شما کمک می‌کند. برخی از این سؤال‌ها عبارت‌اند از:

- یک روز کاری معمولی در شرکت شما چگونه است؟
- من باید به چه کسی گزارش بدهم؟ آیا قبل از اتمام فرایند مصاحبه، بنده با این شخص ملاقات خواهم کرد؟
- برای پیشرفت در شرکت یا مؤسسه شما چه فرصت‌هایی وجود دارد؟ (در شغل مورد نظر)
- در این موقعیت شغلی، ارزیابی از کار بنده چگونه خواهد بود؟

### ز) برای روز مصاحبه پوشش مناسب داشته باشید

اگر قرار است برای شغلی اداری در مصاحبه شرکت کنید، لباسی بپوشید که مناسب محیط اداری باشد؛ مثلاً گت و شلوار. اگر قرار است در مشاغل کاری و اجرایی حضور داشته باشید، پوشش تمیز، مرتب و مناسب استفاده کنید. خانم‌ها در چنین موقعیت‌هایی باید از آرایش غلیظ، اودکلن‌های تند و جواهرات زرق‌وبرق دار اجتناب کنند. آقایان هم باید به یاد داشته باشند که مرتب، شیک و ترو تمیز باشند. هر چقدر عوامل برهم‌زننده تمرکز حواس کمتر باشند، مصاحبه‌کنندگان بهتر می‌توانند روی ویژگی‌های شما تمرکز کنند. اکنون نوبت بررسی بازبینی‌های مصاحبه است. یادتان باشد، در مصاحبه باید کاری کنید که مصاحبه‌کننده خاطره خوبی از شما داشته باشد. به عبارت دیگر، باید با برخی ویژگی‌ها او را به شدت متأثر و شگفت‌زده کنید.

### الف) مؤدب باشید

حتماً به یاد داشته باشید، در برخورد با هر کسی که در حین مصاحبه و فرایند آن دارید، نهایت ادب را رعایت کنید. حتی اگر مقدور بود، نام آن‌ها را به خاطر بسپارید تا بعد از مصاحبه، طی نامه‌ای از زحمت آن‌ها تقدیر و تشکر کنید. حواستان باشد، اگر در بخش پذیرش، بایی ادبی رفتار کنید، حتماً گزارش آن به مصاحبه‌کننده خواهد رسید. هر گونه بی‌ادبی ممکن است در رقابت با سایر شرکت‌کنندگان و رقیبان برایتان سنگین تمام شود.

### ب) ارتباط غیر کلامی داشته باشید

گاهی پیام‌هایی غیر کلامی که شما می‌فرستید، می‌تواند از صدای شما رساتر شنیده شود. حتی اگر بهترین شرکت‌کننده باشید، ولی زبان بدن شما مصاحبه‌کننده را آزار دهد، به احتمال زیاد رد خواهید شد. بنابراین، چند پیشنهاد را به دقت دنبال کنید:

- با مصاحبه‌کننده محکم دست دهید.
- قبل از پاسخ به هر سؤال، دقیق فکر کنید و پاسخ‌های مختصر و مفید بدهید.
- آرام و واضح صحبت کنید. از جمله‌بندی و دستور زبان صحیح استفاده کنید. از جمله‌های کوچک‌بازاری استفاده نکنید. به فارسی کتابی و روان صحبت کنید و به هیچ‌وجه آدامس یا هر چیز دیگری نخورید.
- صاف بنشینید و به چشمان مصاحبه‌کننده نگاه کنید. در حین پاسخ به سؤال‌ها، اعتماد به نفس خود را حفظ کنید.
- دست‌به‌سینه نشوید. این جور نشستن، این پیام را به طرف مقابل منتقل می‌کند که شما از موقعیتی که الان در آن هستید، ناراحتید و نمی‌خواهید آنجا باشید.

● اگر می‌دانید برای مثال عادت یا تیک عصبی بدی دارید یا هر چیز ناراحت‌کننده‌ای که ممکن است بروز کند، حتماً تمرین کنید آن عادت یا تیک عصبی را در جلسه مصاحبه در اختیار بگیرید. تجربه یک مصاحبه آزمایشی با دوستان می‌تواند در تسلط بر این موضوع به شما کمک کند.

- حتماً آداب معاشرت را رعایت کنید. مؤدب باشید و با احترام رفتار کنید.
- وقتی مصاحبه‌کننده در حال صحبت است، هیچ‌گاه حرف او را قطع نکنید.
- سایر نکته‌ها: یکی از اشتباه‌های رایج و مشترک بین متقاضیان شغلی این است که در مورد کار فرمای سابق یا همکار سابق خود نکته‌هایی منفی را ذکر می‌کنند. چنین کاری باعث می‌شود کارفرما و مصاحبه‌کننده نسبت به شما حس بدی پیدا کند. تنها سعی کنید از جمله‌های مثبت استفاده کنید. اجازه بدهید مصاحبه‌کننده مکالمه را ادامه دهد. اما از گفتن مهارت‌ها و تجربه‌های خود غافل نشوید و حواستان باشد جواب سؤال‌های خود را نیز لابه‌لای مصاحبه پیدا کنید. وقتی مصاحبه تمام شد، از مصاحبه‌کننده تشکر کنید و اجازه بدهید طرف مقابل بداند این جایگاه یا موقعیت شغلی خوشایند شماست.

### « چه سؤال‌هایی قرار نیست در مصاحبه از شما پرسیده شوند؟

هنر جوان عزیز، در فرایند استخدام شغلی، باید به سؤال‌هایی پاسخ دهید که به طور مستقیم به شغل یا الزاماتی شغلی تعیین شده، مرتبط باشند. این حق شماست که به سؤال‌های نامرتب یا گاهی شخصی پاسخ ندهید. مثلاً اگر مصاحبه‌کننده از شما در خصوص مراجعه به فیزیوتراپی، یا بچه‌دار شدن در آینده، سابقه شما در مراجعه به پزشک، و محل زندگی پدر یا مادرتان سؤال‌هایی پرسید، چنین سؤال‌هایی بی‌ارتباط با شغل به نظر می‌رسند و شما می‌توانید به آن‌ها پاسخ ندهید. البته این نکته را هم اضافه کنم که بعضی مشاغل، شرایطی را برای استخدام وضع می‌کنند که شما از قبل می‌دانید در مصاحبه چنین سؤال‌هایی پرسیده خواهند شد و چون از قبل اعلام شده است، شما باید به آن‌ها پاسخ دهید یا اصلاً برای فرایند استخدام آن شغل اقدام نکنید.

**در فرایند استخدام شغلی باید به سؤال‌هایی پاسخ دهید که به طور مستقیم به شغل یا الزامات شغلی تعیین شده مرتبط باشند. این حق شماست که به سؤال‌های نامرتب یا گاهی شخصی پاسخ ندهید**

### « نوشتن نامه پیگیری

اکنون بعد از گفت‌وگو درباره اقدامات قبل و حین مصاحبه، نوبت به بازبینی بعد از مصاحبه می‌رسد. یادتان باشد، به محض اینکه از محل مصاحبه به خانه رسیدید، باید به نوشتن نامه‌ای اقدام کنید که تحت عنوان نامه پیگیری شناخته می‌شود. چنین نامه‌ای به طور مستقیم به مصاحبه‌کننده یا آن مؤسسه نوشته می‌شود و برای مثال از طریق رایانامه فرستاده می‌شود. مهم این است که این نامه باید تمیز، خوانا و بدون غلط باشد. حواستان باشد، چنین نامه‌ای باید در روز مصاحبه، نه چند روز بعد از آن، فرستاده شود. بعد از فرستادن چنین نامه‌ای، کارفرما یا مصاحبه‌کننده، شما را در یاد خواهد داشت و این موضوع بر او تأثیر ذهنی مثبت دارد.

امیدوارم با مجموع نکته‌هایی که گفتیم، ساختار خوبی برای روز مصاحبه شغلی خود، که چندان دور نیست، ترسیم کرده باشید! به امید موفقیت همه شما عزیزان!



تماشاکن

هدی اعظم نوبی، نینسه فضلی

# در آستان گلستان کاشی

چند سالی می‌شود که به‌عنوان خبرنگار دانش‌آموزی مشغول به کارم، ولی یک گزارش، محصول یکی از بهترین و خاطره‌انگیزترین روزهای خبرنگاری من بود؛ روزی که برای معرفی ظرفیت‌های شغلی استان یزد با کارآفرینان و تولیدکنندگان برتر مصاحبه کردم و نتیجه کارم را در یک فیلم کوتاه مستند در مدرسه به نمایش گذاشتم. برای تهیه گزارش، اول فهرستی از مشاغل برتر استان تهیه کردم؛ کارهایی که هم پرطرفدارند و هم به لطف خدا زمینه‌هاشون در استان زیبامون فراهمه؛ مثل تولید کاشی و سرامیک، انواع محصولات گلخانه‌ای، برداشت روناس، پرورش بلدرچین و کبک و اسب اصیل عرب. بعد به سراغ آدم‌هایی رفتم که موفق بودن و از دل خاک تفتیده کویر ثروت برداشت می‌کنن. اسم مستندم رو هم گذاشتم گنجینه‌هایی در دل کویر.

ماشینی محصولات را برای ارسال به بازارهای ایران و خارج آماده می‌کند. اکثر شاغلان این بخش هم افراد بومی و تحصیل کرده هستند که با شوق و ذوق از کار در گلخانه بر ایمان تعریف می‌کنند.

سخت‌کوشی افرادی چون کارگران این گلخانه، مشتی است نمونه خروار، از تلاش مردمان یزد که سال‌هاست به کشاورزی کم‌آب‌خواه روی آورده‌اند و از دل کویر بذر امید برداشت می‌کنند.

بعد از این گلخانه زیبا راهی یک مزرعه پرورش بلدرچین می‌شوم؛ مزرعه‌ای که چند سالی است در کنار تولید گوشت و تخم بلدرچین، بخش گردشگری خود را راه‌اندازی کرده و به علاقه‌مندان خدمات می‌دهد. آقای محمدی صاحب این مزرعه و یکی از جوانان خوش‌نام روستای احمدآباد است. ایده اولیهٔ احداث چنین مزرعه‌ای در روستای زادگاهش، بعد از اتمام دورهٔ هنرستان مطرح شد. این جوان سخت‌کوش، کار خود را با دریافت وام و خرید ۲۰۰ قطعه بلدرچین شروع کرد و با وجود بازدهی نامناسب در اوایل کار، ناامید نشد و با خرید یک دستگاه جوجه‌کشی، علاوه بر تولید و بسته‌بندی تخم بلدرچین، حالا جوجه بلدرچین را نیز به فروش می‌رساند. تحصیل در رشته پرورش ماکیان در هنرستان و ادامهٔ آن در دانشگاه باعث شده است از علم روز در حرفهٔ خود استفاده کند و زمینه‌های فعالیت برای هم‌رشته‌ای‌های خودش را هم فراهم کند. شاید این کار سخت و حساس به نظر برسد، ولی در طولانی‌مدت پر بازده است و سود خوبی نصیب مزرعه می‌کند. علاوه بر این‌ها، مردم به حضور در مزرعه و دیدن سالن‌های پرورش و بسته‌بندی بسیار علاقه‌مندند. آن‌ها هم از این فرصت استفاده می‌کنند و با همکاری دوستان دیگر خود در بخش گردشگری

اینجا تا چشم کار می‌کند، سبزی و آبیاری می‌بینی؛ روستایی در دل کویر، روستایی با مردمانی پراراده که روستایشان را به روستایی ثروتمند و تولیدگر تبدیل کرده‌اند. وارد گلخانه‌ای می‌شوم که صاحبان آن دو دوست صمیمی هستند و از دورهٔ هنرستان در رشته کشاورزی با هم آشنا شده‌اند و تا همین الان با هم رفیق و همکارند. بوته‌های سبز و گوجه‌های خوش‌رنگ و لعاب مات و مبهوتم می‌کنند. با آقا مصطفی هم صحبت می‌شوم. همان‌طور که گوجه‌ها را برداشت می‌کند، توضیح می‌دهد در سال ۹۱ این گلخانه را احداث کرده است. تا چند سال اول فقط گوجه و خیار و بادمجان می‌کاشت، ولی بعد از آن، به پیشنهاد یکی دیگر از دوستانش که او هم فارغ‌التحصیل هنرستان است، شروع به بسته‌بندی و صادرات محصولات کردند. از آن موقع، گلخانه‌ای شش هزار متری دارند. در این گلخانه، برای بچه‌هایی که امور باغی، کشاورزی و بقیه رشته‌های مرتبط را خوانده‌اند، کار فراهم است. روزی ۶۰ تن محصول برداشت می‌کنند و به خیلی از کشورها هم صادر می‌کنند و از این راه ارزآوری خوبی برای گلخانه و روستا داشته‌اند.

بخش دیگر این گلخانه سالن مخصوص نشاسته است. وارد سالن که شدم، منظرهٔ زیبایی از نشای انواع گیاهان و ده نفر از افراد بومی را دیدم که مشغول کار بودند و هدفشان این است که نشایی خوب و باکیفیت به دست کشاورزان برسانند تا محصول خوبی داشته باشند. اینجا هم اکثر بچه‌ها دانشجوی رشته کشاورزی و رشته‌های مرتبط هستند. در سال بین دو تا سه میلیون نشا تولید می‌کنند و می‌فروشند.

سالن بسته‌بندی و فروش هم از دیگر بخش‌های فعال این گلخانه است که به کمک بسته‌بندی دستی و

مسجد جامع



تکیه امیر چخماق



کویر کاراکال



گره به سان سیاه گوش (کاراکال)



کویر بافتی



**سخت کوشی افرادی چون کارگران این گلخانه، مشتکی است نمونه خروار، از تلاش مردمان یزد که سال‌هاست به کشاورزی کم‌آب‌خواه روی آورده‌اند و از دل کویر بذر امید برداشت می‌کنند**

مزرعه، خدماتی چون توریک‌روژه بازدید، پخت انواع غذا با گوشت و تخم بلدرچین، بسته‌بندی محصولات، عکاسی و... را برایشان فراهم کرده‌اند.

با حال خوش، این مزرعه پرهیوا را به سمت یکی از کارگاه‌های تولید کاشی ترک می‌کنم. این کارگاه هم به همت چند جوان میبیدی احداث شده است؛ جوانانی که با همت و اراده از دانش و مهارتی که بعد از سه سال در هنرستان ورشته سرمایه‌گذاری کرده‌اند و با امید مشغول فعالیت هستند. عمده تولید این کارگاه کاشی‌های زینتی مینیاتوری است. این کارگاه با اینکه کوچک است، اما یک کارگاه کامل است و شما می‌توانید سفارش کلی یا جزئی داشته باشید و با بسته‌بندی حرفه‌ای که آن هم کار خود بچه‌های هنرستانی است، محصول را دریافت کنید. در این کارگاه حتی چند فارغ‌التحصیل معماری به‌عنوان مشاور، در طراحی داخلی خانه‌ها، هتل‌ها، رستوران‌ها و سایر فضاهای عمومی به مشتریان مشاوره می‌دهند و برایشان طرح می‌زنند. بخش دیگر کارگاه هم به فروش برخط مربوط است که با توجه به ابعاد کوچک کاشی‌ها و طرح و نقش‌های جذاب و جوان‌پسند و استقبال فراوان از آن‌ها، رونق دارد و در مناسبت‌هایی مثل عیدهای ملی و مذهبی، سفارش‌های زیادی ثبت می‌شود و کارگاه چند نوبت کار می‌کند. بخشی در این کارگاه حتی چاپ عکس دلخواه مشتری روی کاشی را هم انجام می‌دهد. همه این‌ها باعث شده‌اند جوان‌های زیادی با مهارت‌های گوناگون دور هم جمع شوند و برای ساختن آینده‌شان به هم کمک کنند.



محصولات گلخانه‌ای



کشت گلخانه‌ای زعفران



کشت گلخانه‌ای پاپایا



پرورش بلدرچین



حاج بادومی



کیک یزدی



قطاب



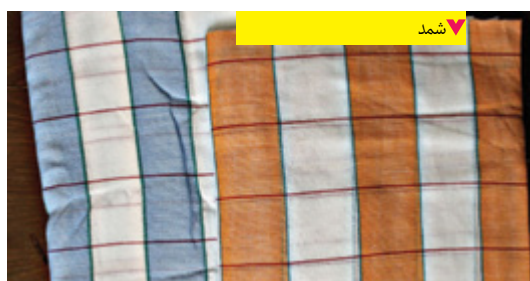
کاشی مسجد جامع



کاشی سنتی یزد



ترمه اقبالی



شمه



دارایی بافی

## اشاره

اگر خانواده‌ها متوجه شوند فرد با دیپلم هنرستان می‌تواند با مهارت و تولید خود کسب درآمد کند، از تحصیل فرزندان خود در هنرستان‌ها استقبال می‌کنند. باید آموزش‌ها را به سمت بازار کار ببریم تا کارهای تولیدی سریع‌تر به درآمد برسند. طرح «آموزش همراه با تولید» در همه رشته‌ها و کارگاه‌ها برگزار می‌شود. در هنرستان با کمبود شدید نیروی اجرایی (معاون) و همچنین نیروهای خدماتی روبه‌رو هستیم. جشنواره یلدا را برای عرضه و فروش طرح‌ها و محصولات تولیدی بچه‌های هنرستان برگزار کردیم. مطالب بالا فرازهایی از سخنان خانم مهندس ناهید خویی، مدیر هنرستان پوراندخت هاشمیان یک قزوین در گفت‌وگو با رشد هنر جوست. متن کامل گفت‌وگو را با هم‌پی می‌گیریم. لطفاً در آغاز، ضمن معرفی، از سابقه تحصیلی و اجرایی خود بگویید.



و از ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۱ نیز مدیر هنرستان شهیدان شالیاب بودم. امسال هم دومین سالی است که در این هنرستان مدیر هستیم.

### سابقه تأسیس و قدمت هنرستان و تعداد هنرجویان و کارکنان آموزشی را بیان کنید.

این مرکز آموزشی تا سال ۱۳۷۴ به صورت دبیرستان بود، ولی هنرستان به‌طور مشخص از سال ۹۵ کار خود را شروع کرده است. رشته‌های دایر در این هنرستان، مدیریت خانواده، حسابداری مالی، خیاطی لباس شب عروس و سراجی هستند. این رشته‌ها در سه پایه و یک رشته امور اداری در پایه یازدهم ارائه می‌شوند که سال بعد آخرین گروه از این رشته را در مدرسه داریم. هنرستان فقط معاون دارد و تعداد دانش‌آموزان آن ۲۳۰ نفر است. موقعیت و جایگاه هنرستان در شهر و استان چگونه است؟

تنها هنرستان در استان قزوین هستیم که رشته سراجی را دارد. پارسال و امسال، رتبه‌های برتر را در تدریس و همچنین در کارهای آموزشی همراه با تولید، و رتبه‌های برتر منطقه، استان و کشور را داشتیم. تمام رشته‌ها و کارگاه‌ها در پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم، طرح آموزش همراه با

**سال گذشته در رشته مدیریت خانواده و سراجی، رتبه‌های کشوری، استانی و ناحیه‌ای کسب کردیم**

# پیدا کردن

هنرستان هاشمیان

پوراندخت هاشمیان  
هنرستان دخترانه  
قزوین



تولید را اجرا می‌کنند. در بعضی رشته‌ها درس‌های خارج از استاندارد دهم، برای مهارت‌آموزی بیشتر دانش‌آموزان، ارائه می‌شوند.

### از مسائل و مشکلات آموزشی، علمی و اجرایی هنرستان بگوئید.

هنرستان کاملاً دولتی است و ما به علت نبود نیروی اداری و معاون و خدمات، در امور جاری مدرسه از بچه‌ها و اولیای آنان کمک می‌گیریم. اینجا فقط پول کتاب و بیمه و جزوه از دانش‌آموزان گرفته می‌شود. به نظر من، اگر در سانه‌ها کمتر عنوان کنند که مدرسه حق گرفتن پول ندارد، بهتر است. شما می‌دانید که سرانه لازم را به مدرسه نمی‌دهند. پس ما چگونه باید هزینه‌های تعمیر و تجهیز کارگاه‌ها را تأمین و قبض‌ها را پرداخت کنیم. به نظر، اگر حتی پول پسرانه را هم ندهند، اما مواد آموزشی را برای ما تأمین کنند، عالی است. مثلاً پارچه، آرد یا چرم‌های طبیعی و مصنوعی مورد نیاز ما را تأمین کنند، چون همه این‌ها برای مدرسه و خانواده‌ها هزینه‌برند.

ما با کمبود شدید نیروی خدماتی مواجهیم و هنرستان را با کمک خود بچه‌ها و اولیا اداره می‌کنیم. دیگر اینکه برای درس ادبیات فارسی در

پایه‌های دهم و دوازدهم، در هفته دوم آذرماه دبیر آمد. یاد رشته خیاطی، در پایه دوازدهم، اول دی‌ماه دبیر ما تأمین شد. مثلاً در سه ماه اول سال تحصیلی، در درس تعمیرات و اخلاق حرفه‌ای، شش ساعته دبیر نداشتیم.

فقط در یک تابستان، در کارگاه خیاطی، بیش از ۱۷ میلیون تومان هزینه سرویس و تعمیر چرخ‌های خیاطی مدرسه شد

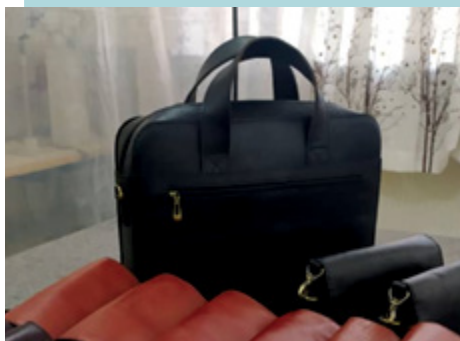
### برای اشتغال هنرجویان خود چه تلاش‌ها و اقدامی انجام داده‌اید؟

بچه‌های ما در سه پایه رشته سراجی، در بهمن ۱۴۰۱ در طول دو هفته در اوج سرما و تعطیلی کلیه مدرسه‌های استان، برای وزارتخانه، کیف چرم مردانه به تعداد ۱۱۴ عدد تولید کردند. همچنین، پخت کیک و انواع شیرینی و نان در طرح آموزش همراه با تولید، برای فروش در نمایشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین، اجرا شد. پخت شیرینی و فروش آن برای نمایشگاه در مصالای تهران نیز صورت گرفت. دانش‌آموزان پایه یازدهم





طرح تولید لباس کار برای کارگاه‌ها در رشته‌های دوخت را در تابستان در جریان کارورزی در مدرسه انجام دادند. چاپ نشان‌وارهٔ مدرسه روی لباس کار را نیز دانش‌آموزان پایهٔ دهم خیاطی انجام دادند که برای رشتهٔ مدیریت از رنگ نارنجی، رشتهٔ حسابداری از رنگ آبی، رشتهٔ خیاطی رنگ قرمز و رشتهٔ سراجی نیز زرد استفاده کردند. اواخر آذرماه نیز جشنوارهٔ یلدار برگزار کردیم تا بچه‌ها طرح‌های تولیدی همراه با آموزش خود را به معرض فروش بگذارند. با این برنامه، بچه‌ها با بازار کار بیرون آشنا شدند.

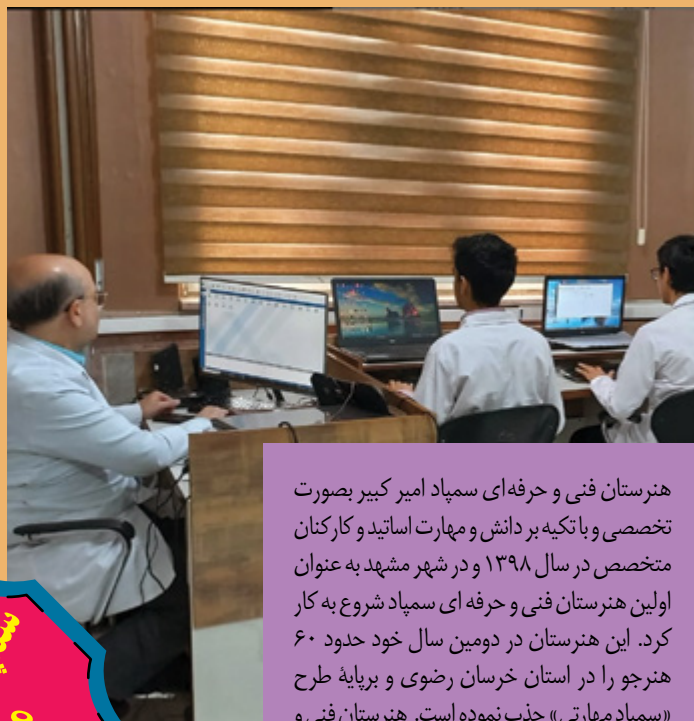


### به نظر شما برای افزایش استقبال دانش‌آموزان از تحصیل در هنرستان‌ها چه طرح‌ها و شیوه‌هایی مناسب است؟

اینکه تا می‌توانیم آموزش‌ها را ببریم سمت بازار کار و کارهای تولیدی، تا سریع‌تر به درآمد و پول برسند. این کار ذوق و گرایش بچه‌ها را بیشتر می‌کند. متأسفانه تاکنون این‌گونه بوده است که همیشه معدل پایین‌ها را هدایت می‌کردند به سوی مدرسه‌های فنی، اما الان به‌جز موضوع معدل، هزینه هم هست. هنرستان‌ها لوازم و مواد مصرفی زیادی نیاز دارند و این هزینه خرجی را روی دوش خانواده‌ها می‌گذارد. مثلاً دانش‌آموز رشتهٔ خیاطی باید حداقل پارچه و نخ را تهیه کند تا بتواند دامن و بلوز و شلوار مربوط به درس‌ها را بدوزد و اگر عملی کار نکنند، درس را متوجه نمی‌شود. به این خاطر، خانواده‌ها همچنان خواهان تحصیل فرزندانشان در مدرسه‌های نظری هستند. اما اگر آگاهی مردم بیشتر شود و آن‌ها متوجه شوند که دیپلم هنرستان می‌تواند به کسب درآمد برسد و آن دیپلم خیلی بهتر از دیپلمی است که هیچ مهارت و کسب درآمدی نداشته باشد، وضع تغییر خواهد کرد.



می‌توانیم آموزش‌ها را ببریم سمت بازار کار و کارهای تولیدی، تا سریع‌تر به درآمد و پول برسند. این کار گرایش بچه‌ها را بیشتر می‌کند



## سمپاد امیر کبیر هنرستان مشهد

هنرستان فنی و حرفه‌ای سمپاد امیر کبیر بصورت تخصصی و با تکیه بر دانش و مهارت اساتید و کارکنان متخصص در سال ۱۳۹۸ و در شهر مشهد به عنوان اولین هنرستان فنی و حرفه‌ای سمپاد شروع به کار کرد. این هنرستان در دومین سال خود حدود ۶۰ هنرجو را در استان خراسان رضوی و بر پایه طرح «سمپاد مهارتی» جذب نموده است. هنرستان فنی و حرفه‌ای سمپاد امیر کبیر بر روی پرورش استعداد های درخشان در حوزه‌های مختلف علوم رایانه متمرکز شده است. کلیه بخش‌های هنرستان قطعات و تجهیزات فنی اعم از رایانه‌ها و سخت‌افزارهای مربوطه کاملاً تجهیز و از بروز ترین امکانات استفاده می‌شود.



سست  
نزد ایرانیان



خاتم کاری